



نور چشم آیت‌الله خویی
آیت‌الله محمد اسحاق فیاض درگذشت



یاد یار گره‌گشا
برگزاری غریبانه سالگرد سید محمود دعایی



فیلم‌ساز چپ ضد سلطنت
به بهانه درگذشت مرجان ساتراپی



دستور رئیس‌جمهور

وزیر بهداشت مسئول پیگیری ویژه
وضعیت درمانی میرحسین موسوی شد

گروه سیاسی: به دستور مستقیم مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، مسئول پیگیری مستقیم وضعیت درمانی میرحسین موسوی شد. در همین راستا منابع نزدیک به وزارت بهداشت می‌گویند که روند درمان تحت‌نظر تیم تخصصی در حال انجام است و وضعیت کلی او «رو به بهبود» ارزیابی می‌شود. در واقع، دولت تلاش دارد، شایعات مربوط به بی‌توجهی به وضعیت درمانی او را رد کند همچنین بر تداوم مراقبت‌های پزشکی تأکید دارد.

بعداظهر پنج‌شنبه ۱۴ خرداد، برخی رسانه‌ها از وخامت حال میرحسین موسوی و بستری شدن او در بیمارستان قلب به دلیل عارضه قلبی خبر دادند. هم‌زمان گزارش‌هایی از نگرانی فرزندان او و گلایه نسبت به روند پیگیری درمان منتشر شد. در مقابل، برخی منابع خبری و رسانه‌های انتشار این خبرها را فاقد دقت کافی دانستند و حتی بخشی از اخبار منتشرشده را تکذیب کردند. در ادامه، انتشار یک تصویر منتسب به موسوی در بیمارستان نیز با واکنش‌هایی روبه‌رو شد و برخی آن را جعلی و ساخته هوش مصنوعی توصیف کردند؛ موضوعی که به پیچیدگی فضای اطلاع‌رسانی افزود.

در عین حال، در بخش دیگری از گزارش‌ها، به نقل از دختران موسوی آمده است که او با مشکلات جسمی از جمله نوسانات فشار خون، سرگیجه و ضعف عمومی مواجه بوده و نیاز به مراقبت مداوم دارد. این روایت‌ها بر نگرانی درباره وضعیت جسمی او دامن زده و بحث‌هایی درباره میزان دسترسی به خدمات درمانی ایجاد کرده است. هم‌زمان در نقل‌قول‌هایی غیررسمی از زهرا رهنورد نیز به شرایط حساس جسمی میرحسین و نیاز به مراقبت مستمر از او اشاره شده است. در همین رابطه، محمدتقی فاضل‌میلدی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم نیز در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) نوشت: «شنیده‌ها حاکی از آن است که آقای مهندس موسوی در بیمارستان

بستری است و حال مناسبی ندارد. از آقای دکتر پزشکیان به‌عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی می‌خواهیم که تدبیری بیندیشند تا اسباب آزادی و سلامتی ایشان و خانم رهنورد فراهم شود تا خدای نکرده، اتفاق ناگواری برای آنان نیفتد». با این حال، انصافیوز که از رسانه‌های نزدیک به مسعود پزشکیان است به نقل از یک منبع مطلع، ادعاهای مطرح شده درباره بی‌توجهی نهادهای مسئول به وضعیت درمانی میرحسین موسوی را رد و تأکید کرد: «برخلاف برخی شایعات، رسیدگی‌های پزشکی و درمانی در این دوره و به‌ویژه در جریان عارضه اخیر کاملاً دقیق، به‌موقع و با نظارت تیم تخصصی انجام شده است».

میرحسین موسوی در دهه ۱۳۶۰ نخست‌وزیر ایران بود و پس از سال‌ها کناره‌گیری از قدرت در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ به‌عنوان یکی از نامزدهای اصلی اصلاح‌طلب وارد رقابت شد. پس از اعلام نتایج آن انتخابات و شکل‌گیری اعتراضات گسترده، او به همراه همسرش زهرا رهنورد و مهدی کروبی در حصر خانگی قرار گرفت؛ وضعیتی که از اسفند ۱۳۸۹ آغاز شد و تاکنون ادامه داشته است.

موسوی در سال‌های پس از حصر به‌صورت محدود و عمدتاً از طریق بیانیه‌های دوره‌ای، مواضع سیاسی خود را درباره مسائل کشور از جمله نحوه حکمرانی، وضعیت انتخابات و برخی تحولات داخلی اعلام کرده است. او متولد ۱۳۲۰ است و در کنار فعالیت سیاسی، سابقه فعالیت در حوزه‌های اجرایی و فرهنگی از جمله مدیریت در دوران جنگ ایران و عراق و نیز فعالیت در عرصه هنر و معماری را در کارنامه خود دارد. در کنار او، همسرش زهرا رهنورد نیز از چهره‌های دانشگاهی شناخته شده است. در سال‌های اخیر به‌دلیل استمرار وضعیت حصر و محدودیت‌های خبری، اطلاعات رسمی و یکپارچه درباره شرایط زندگی روزمره آنان محدود بوده و اغلب اخبار منتشرشده درباره وضعیت سلامت یا محل اقامت‌شان از طریق منابع غیررسمی یا رسانه‌های منتشر می‌شود.

استعفای خانم رئیس؟

منابع خبری اعلام کردند:
آذر منصوری از ریاست جبهه اصلاحات و
دبیرکلی حزب اتحاد ملت استعفا کرده است
با این حال او می‌گوید:
استعفا، تا پایان جنگ، منتفی است

برای چندمین بار در ماه‌های اخیر، خبرهایی درباره کناره‌گیری آذر منصوری از ریاست جبهه اصلاحات و دبیرکلی حزب اتحاد ملت منتشر شد. تکرار این شایعات در حالی است که منصوری روز پنج‌شنبه در گفت‌وگو با رسانه تصویری آوش تأکید کرد که موضوع استعفایش «تا پایان جنگ منتفی است». با این حال، او درباره دلایل مطرح شدن استعفا و سرنوشت آن توضیح بیشتری نداد. به همین دلیل هم هر چند این اظهارات فعلاً به گمانه‌زنی‌ها پایان داده اما ابهامات درباره چرایی مطرح شدن استعفا و زمینه‌های شکل‌گیری این بحث همچنان پابرجاست.

ادامه در صفحه ۲



عاطفه شمس
گروه سیاسی



عکس: رضا معطریان

هشدار درباره جنگ روانی

سی‌وهفتمین سالگرد ارتحال امام خمینی با حضور اعضای بیت ایشان و پیام رهبر انقلاب برگزار شد



۲

ایران

سرمقاله

تغییر اولویت‌ها در مذاکرات

درباره بازتعریف امنیت منطقه‌ای
در پرتو اقتصاد انرژی



علی هاشمی

قائم مقام دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

درک مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا، بدون در نظر گرفتن تحولات اقتصاد جهانی انرژی ممکن نیست و عملاً تصویری ناقص و تا حدی ساده‌سازی شده از واقعیت ارائه می‌دهد. در سال‌های گذشته پرونده هسته‌ای در مرکز تفل گفت‌وگوها قرار داشت و سایر موضوعات عمدتاً ذیل آن تعریف می‌شدند. اما به‌نظر می‌رسد امروز با یک جابه‌جایی بنیادین در سطح مسئله مواجه هستیم؛ به این معنا که امنیت انرژی به‌تدریج به متغیر تعیین‌کننده و مرکزی در معادله مذاکراتی تبدیل شده و وزن آن نسبت به گذشته به شکل محسوسی افزایش یافته است. در چنین شرایطی، موضوع دیگر صرفاً برنامه هسته‌ای یا چارچوب‌های فنی آن نیست و هم‌زمان بازار جهانی انرژی، منطق تجارت بین‌الملل و ابزارهای فشار اقتصادی نیز به‌عنوان عناصر مؤثر قدرت وارد میدان شده‌اند.

بازار انرژی جهانی در مقایسه با دهه‌های گذشته اکنون در وضعیت به‌مراتب بهم‌پیوسته‌تر و در عین حال شکننده‌تری قرار دارد. زنجیره تأمین انرژی دیگر یک رابطه ساده میان تولیدکننده و مصرف‌کننده نیست بلکه شبکه‌ای گسترده از مسیرهای دریایی، بیمه‌های بین‌المللی، بنادر راهبردی، شرکت‌های کشتیرانی و بازارهای مالی را در بر می‌گیرد. در چنین ساختاری حتی اختلالات محدود در مسیرهای انتقال نفت و گاز می‌تواند به سرعت اثرات خود را در سطح جهانی نشان دهد؛ از افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل گرفته تا نوسانات قیمت انرژی و در نهایت فشار تورمی بر اقتصاد کشورهای مختلف. به همین دلیل مسیرهای دریایی و تنگه‌های راهبردی به‌تدریج از یک موضوع صرفاً جغرافیایی به بخشی از معماری امنیت اقتصادی جهان تبدیل شده‌اند.

در این چارچوب جدید، مذاکرات ایران و آمریکا نیز به‌تدریج از الگوی کلاسیک «تحریم در برابر تعهد هسته‌ای» فاصله گرفته و وارد یک مدل پیچیده‌تر شده که در آن چند سطح به‌صورت هم‌زمان در دستورکار قرار دارد: نخست مدیریت تنش‌های دریایی و مسیرهای انتقال انرژی، دوم کاهش فشارهای اقتصادی و تحریمی و سوم موضوعات هسته‌ای و برخی پرونده‌های منطقه‌ای. نکته مهم این است که ترتیب و اولویت این سطوح ثابت و از پیش تعیین‌شده، نیست و می‌تواند بسته به شرایط میدانی، تحولات سیاسی و میزان فشار بازیگران بیرونی تغییر کند.

یکی از دلایل اصلی این جابه‌جایی اولویت‌ها تفاوت در ماهیت اثرگذاری این متغیرهاست. در حالی که پرونده هسته‌ای عمدتاً واجد آثار میان‌مدت، حقوقی و مبتنی بر سازوکارهای نظارتی است، اختلال در مسیرهای انرژی اثراتی فوری، مستقیم و گسترده بر اقتصاد جهانی دارد. همین ویژگی هم باعث شده که حساسیت بازیگران بین‌المللی نسبت به حوزه انرژی به‌مراتب افزایش یابد و در برخی مقاطع حتی بر سایر محورهای مذاکراتی اولویت پیدا کند.

ادامه در صفحه ۲

پارلمان
جدال مجلسی‌ها بر سر اینترنت
دفاع عضو کمیسیون صنایع از تصمیم دولت در مقابل انتقاد نماینده جبهه پایداری

گروه سیاسی: در شرایطی که اتصال به اینترنت بین الملل پس از ماه‌ها با پیگیری دولت و شخص رئیس‌جمهور مجدداً برقرار شده است، اظهارات برخی نمایندگان مجلس همچنان از وجود اختلاف‌نظرهای جدی درباره حدود اختیارات دولت و دامنه نقش نظارتی مجلس حکایت دارد. احمد راستینه در گفت‌وگویی تلویزیونی با اشاره به تعطیلی جلسات حضوری مجلس مدعی شد که به دلیل بسته بودن صحن، ابزارهای نظارتی نمایندگان عملاً محدود شده است. او با انتقاد از عملکرد وزارت ارتباطات اظهار کرد ۹۰ روز است که جلسات صحن مجلس به شکل حضوری برگزار نمی‌شود و این وضعیت امکان نظارت مؤثر را از نمایندگان گرفته است. این نماینده در ادامه با طرح یک فرض سیاسی-حقوقی افزود اگر صحن مجلس باز بود، وزیر ارتباطات نمی‌توانست به راحتی دستور اتصال اینترنت بین‌الملل را اجرا کند. او همچنین این اقدام را مرتبط با حکمی دانست که به گفته او از سوی رئیس‌جمهور صادر شده و پیش‌تر توسط دیوان عدالت اداری ابطال شده است. راستینه در بخش دیگری از اظهارات خود حتی از احتمال استیضاح وزیر ارتباطات در صورت تداوم این روند سخن گفت. این مواضع اما با واکنش برخی دیگر از نمایندگان مواجه شده است. در همین زمینه مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، با انتقاد از نگاه محدودکننده به موضوع اینترنت، می‌گوید: «گروهی محدود در مجلس با هرگونه گشایش در حوزه‌های مختلف مخالفت می‌کنند، همین حالا هم فتح‌الفتوحی اتفاق نیفتاده اما اقلیتی در پارلمان به دنبال استیضاح وزیر است». پوردهقان معتقد است که نباید به بهانه‌هایی مانند ملاحظات امنیتی یا اخلاقی، دسترسی عمومی به اینترنت محدود شود و تصمیمات باید بر اساس نیاز واقعی جامعه و مطالبه عمومی اتخاذ شود. او همچنین تأکید کرده که هم دولت و هم مجلس موظفند، نبض جامعه را درک کرده و در جهت خواست عمومی حرکت کنند. به گفته او، دسترسی مردم به ارتباطات جهانی و اینترنت، بخشی از حقوق طبیعی جامعه است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. پوردهقان همچنین ضمن دفاع از اقدام دولت در بازگشایی نسبی اینترنت، اعلام کرد که بحث استیضاح وزیر ارتباطات از سوی برخی جریان‌ها بعید به نظر می‌رسد و بیشتر ناشی از اختلافات سیاسی درون مجلس است تا یک اجماع گسترده پارلمانی.

ادامه سر مقاله
تغییر اولویت‌ها در مذاکرات

با این حال، این تحول به هیچ‌وجه به معنای ساده‌تر شدن روند مذاکرات نیست. برعکس، ورود اقتصاد انرژی به مرکز معادله باعث افزایش تعداد بازیگران مؤثر شده است. اکنون دیگر صرفاً ایران و آمریکا تعیین‌کننده مسیر مذاکرات نیستند، مجموعه‌ای از بازیگران دیگر نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در این معادله نقش دارند؛ از شرکت‌های بزرگ بیمه و صادرکنندگان انرژی گرفته تا قدرتهای منطقه‌ای و اقتصادهای بزرگ مصرف‌کننده که نسبت به ثبات بازار انرژی حساسیت بالایی دارند.

از منظر راهبردی، این وضعیت به‌نوعی چند مرکزی شدن تصمیم‌گیری منجر شده است. در چنین فضایی هیچ توافقی نمی‌تواند صرفاً به‌صورت دوجانبه و خطی، طراحی و اجرا شود زیرا هر تصمیم، پیامدهای زنجیره‌ای در بازار جهانی انرژی، موازنه‌های امنیتی منطقه‌ای و حتی سیاست داخلی کشورها ایجاد می‌کند. همین درهم‌تپیدگی نیز به‌طور طبیعی هم سرعت مذاکرات را کاهش می‌دهد و هم سطح پیچیدگی آن را افزایش می‌دهد. در کنار این تحولات، انرژی به‌تدریج از یک متغیر اقتصادی صرف به ابزاری برای اعمال فشار متقابل نیز تبدیل شده است. همان‌طور که برخی کشورها از ابزار تحریم و محدودسازی مالی استفاده می‌کنند، برخی دیگر نیز با تکیه بر موقعیت ژئوپلیتیکی خود در مسیرهای ترانزیت انرژی می‌توانند بر معادلات طرف مقابل اثر بگذارند. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری نوعی توازن ناپایدار است که در آن هیچ بازیگری قادر به تثبیت برتری مطلق نیست. در مجموع، می‌توان گفت مذاکرات ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای شده که در آن مفهوم امنیت انرژی، هم‌وزن و در برخی مقاطع حتی مؤثرتر از امنیت نظامی عمل می‌کند و این تغییر پارادایم باعث شده مسیر دستیابی به توافق، حتی در صورت وجود اراده سیاسی، بسیار پیچیده‌تر و وابسته‌تر به متغیرهای بیرونی و غیرقابل پیش‌بینی شود.

هشدار درباره جنگ روانی

رهبر انقلاب: هر اقدامی که موجب بدبینی و سرخوردگی مردم شود، کمک به دشمن محسوب می‌شود


گسترده مردمی در دهه‌های گذشته نسبت داده شده است. پیام همچنین تلاش می‌کند، میان «خط امام» و «ادامه تاریخی آن در رهبری پس از انقلاب» پیوند برقرار کند و از استمرار این مسیر به‌عنوان عامل ثبات و پیشرفت کشور یاد می‌کند.

جنگ شناختی؛ نقطه تمرکز پیام سیاسی

بخش اصلی و تحلیلی پیام به موضوعی اختصاص دارد که در سال‌های اخیر در ادبیات سیاسی رسمی ایران پررنگ‌تر شده است: جنگ شناختی. در این بخش، دشمن نه در قالب تهدید نظامی مستقیم بلکه در قالب یک کنشگر فعال در حوزه افکار عمومی معرفی می‌شود. در متن پیام رهبر انقلاب آمده که پس از ناکامی‌های مختلف در عرصه‌های مختلف، تمرکز اصلی مخالفان بر «افکار عمومی و دستگاه محاسباتی جامعه» قرار گرفته است. در ادامه نیز ابزارهای این رویکرد چنین توصیف می‌شود: «ابزار اصلی دشمن، کاشت بذر تردید، یأس، ترس، بدگمانی و اختلاف است». رهبری در ادامه تصریح می‌کند که «دشمن خبیث، حال که در مصاف با فرزندان دلاور شما در نبردهای مسلح دچار شکست شده... کید خود را در جنگ ترکیبی متمرکز ساخته است». این جمله از بخش‌های کلیدی پیام است که به‌عنوان تعریف رسمی از جنگ روانی در سطح جامعه ارائه شده است. در ادامه نیز تأکید می‌شود که مقابله با این روند، نه صرفاً وظیفه نهادهای رسمی بلکه مسئولیت عمومی جامعه است.

در بخش دیگری از پیام، رهبر انقلاب هشدار می‌دهد که: «هرگونه اقدامی که موجب بدبینی و سرخوردگی آحاد مردم شود، نوعی کمک به دشمن این کشور و مردمانش محسوب می‌گردد». این جمله در واقع مرزگذاری سیاسی-اجتماعی پیام را مشخص و نقش رفتار رسانه‌ای، سیاسی و مدیریتی را در تولید یا کاهش تنش اجتماعی برجسته می‌کند.

انسجام ملی در برابر فشار بیرونی

در بخش پایانی پیام، رهبر انقلاب راهبرد اصلی در مقابل تهدیدات را «حفظ وحدت و انسجام اجتماعی» معرفی کرده و تصریح می‌کند: «همگان با ایستادگی و روشن‌بینی و حفظ وحدت و انسجام و اعتماد متقابل و هم‌صدایی نکردن با دشمن، نقشه شوم او را خنثی نمایند». ایشان همچنین تأکید می‌کنند: «ملت ایران ملت مؤمن، باهوش و شجاع است و مردم، صاحبان اصلی کشور و منشأ قدرت آن هستند».

ادامه از صفحه یک

استعفای خانم رئیس؟

این در حالی است که جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات، پیش‌تر توضیح داده بود که اصل موضوع استعفای منصوری به ماه‌ها قبل و پیش از آغاز جنگ مربوط می‌شود. به گفته او، اعتراض به نحوه بازداشت برخی اعضای هیأت‌رئیس جبهه اصلاحات و آنچه «اتهامات ناروا و اقدامات غیرحقوقی» خوانده شده از جمله دلایل مطرح شدن این تصمیم بوده است. امام همچنین تأکید کرد که با آغاز حملات خارجی علیه ایران این موضوع عملاً از دستورکار خارج شده و هرگز به‌طور رسمی در مجمع عمومی جبهه اصلاحات مورد بررسی قرار نگرفته است. او در پاسخ به اینکه آیا جبهه اصلاحات با استعفای منصوری موافق است یا مخالف، تصریح کرده است: «موضوعی مطرح نشده که بخواهم بگویم، موافقت یا مخالفتی صورت گرفته است. اساساً چون موضوع به‌طور رسمی در جبهه طرح نشده، امکان اظهارنظر مشخص درباره آن وجود ندارد». برخی منابع می‌گویند که این استعفا که ظاهراً از اسفندماه ۱۴۰۴ و پس از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران مطرح شده بود پس

در بخش دیگری از این پیام آمده است: «هر تحول صحیحی را که مردم دنبال کنند، می‌توانند رقم زنند و شعار «ما می‌توانیم» را در عرصه‌های مختلف عینیت بخشند» و نیز تصریح شده است: «نظام سلطه با این ملت و هویت ممتاز و تسلیم‌ناپذیری‌اش مشکل دارد». در این چارچوب، هم‌صدایی داخلی و پرهیز از تشدید اختلافات به‌عنوان ابزار خنثی‌سازی اثرگذاری دشمن مطرح می‌شود. رهبری در این پیام تأکید می‌کند که جامعه ایران در شرایطی قرار دارد که فشارهای بیرونی تنها در صورتی اثرگذار خواهند بود که در داخل شکاف‌های اجتماعی یا بی‌اعتمادی تقویت شود. از همین‌رو حفظ اعتماد عمومی نه یک موضوع اخلاقی صرف بلکه یک مؤلفه امنیت ملی معرفی می‌شود. در ادامه، نقش نخبگان، مسئولان و گروه‌های مرجع اجتماعی برجسته می‌شود. پیام به‌طور غیرمستقیم از این گروه‌ها می‌خواهد که در تولید ادبیات سیاسی و اجتماعی از دوقطبی‌سازی و افزایش تنش پرهیز کنند. در بخش پایانی نیز نگاه آینده‌محور پیام برجسته است؛ جایی که از نسل جوان، هنرمندان و فعالان فکری خواسته می‌شود، مسیر «تکمیل مکتب امام» را در قالب‌های جدید اجتماعی و فرهنگی ادامه دهند: «اکنون فرصت تازه‌ای برای معرفی عملی و تحقق بخشیدن به مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز شهید به‌عنوان رهبران مظلوم اما مقتدر و البته پیروز انقلاب اسلامی در سراسر جهان فراهم شده است». رهبر انقلاب تأکید می‌کند: «این نقش مهم بر عهده آحاد ملت خصوصاً جوانان، نخبگان و اهالی فکر و اندیشه و هنر است تا براساس همین مکتب با اعتماد به وعده‌های خداوند، در سایه توجهات سرورمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و در مسیر اسلام ناب یعنی خط نورانی ترسیم شده در دوران ۲۵۰ ساله حضور صاحبان عصمت و ولایت کبری صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین، آینده درخشان ایران عزیز را بسازند».

جبهه اصلاحات در نقطه بازتعریف

انتشار خبر استعفای منصوری از زاویه‌های دیگری نیز اهمیت دارد. این خبر، نگاه‌ها را دوباره به وضعیت جبهه اصلاحات معطوف کرده؛ جریانی که در سال‌های اخیر با کاهش نقش‌آفرینی انتخاباتی، محدودیت فعالیت حزبی و فشارهای سیاسی روبه‌رو بوده است. در چنین شرایطی، هرگونه تغییر در رأس این تشکل سیاسی، می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از تحولات عمیق‌تر در ساختار و راهبردهای جریان اصلاحات مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، آنچه فعلاً مشخص است، این است که جبهه اصلاحات هنوز وارد فرآیند رسمی بررسی استعفای رئیس خود نشده و به گفته سخنگوی این تشکل اساساً موضوعی با عنوان استعفای فعال در دستورکار مجمع عمومی این جبهه قرار ندارد. در عین حال هرچند اعلام منتفی شدن استعفا می‌تواند در کوتاهمدت به گمانه‌زنی‌ها پایان دهد اما بحث‌های مطرح شده، نشان می‌دهد که جبهه اصلاحات همچنان درگیر بازتعریف موقعیت خود در فضای سیاسی کشور و نسبت‌اش با تحولات امنیتی و جنگی است؛ فرآیندی که برای آینده این جبهه در سال‌های پیش‌رو نیز اهمیت تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.



همدستی با اسرائیل؟

ماجرای استقرار نیروهای نظامی اسرائیل در آذربایجان چه بود؟



بعدی فراهم می‌کرد. همچنین در این گزارش ادعا شده که نیروی هوایی اسرائیل به‌عنوان بخشی از عملیات نصب این دستگاه‌ها از جت‌های رادارگریز و نیروهای ویژه استفاده کرد. طبق این گزارش، جمع‌آوری اطلاعات به ابزاری دیگر برای اسرائیل تبدیل شد تا اطلاعاتی درباره تحرکات و تأسیسات نظامی ایران جمع‌آوری کرده و احتمالاً هشدار اولیه در مورد یرتاب موشک‌ها ارائه دهد. مقامات رسمی کشور هنوز به ادعاهای مطرح شده در گزارش سی‌ان‌ان واکنشی نداشته‌اند. با این حال، آیهان حاجی‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه آذربایجان، گزارش سی‌ان‌ان را بی‌اساس خواند. تکذیب این گزارش درحالی صورت می‌گیرد که رسانه‌های غربی بارها از همکاری باکو با تل‌آویو و واشنگتن برای انجام بسیاری از حملات پهنادی علیه پدافند موشکی و هوایی ایران خبر دادند.

نظامی اضافی در اختیار این رژیم قرار داد که به هواپیماهای اسرائیلی، امکان توقف احتمالی در پروازهای دوربرد به سمت ایران را می‌داد. رسانه آمریکایی در ادامه مدعی شد: حضور نظامی در آذربایجان، پایگاه دیگری در اختیار اسرائیل قرار داد تا در صورت سقوط خلبانان، مأموریت‌های نجات هوایی انجام دهد و مواضعی نیز برای جاسوسی از ایران در اختیار آن گذاشت. طبق ادعای منابع آگاه این شبکه، مقامات این استقرار هفته‌ها پیش از حملات آغازین جنگ انجام شد. دو منبع آگاه گفتند که همزمان با تحولات دی‌ماه ۱۴۰۴ در ایران، اسرائیل در حال فراهم کردن مقدمات یک مأموریت مخفی در امتداد مرز آذربایجان و ایران بود. منابع این عملیات را به‌عنوان یک عملیات مقدماتی توصیف کردند که با نصب دستگاه‌های شنود و تجهیزات اطلاعاتی در منطقه، زمینه را برای گام‌های

مهمی به منظور نظارت بر شمال ایران ایجاد کرد. منابع آگاه به سی‌ان‌ان گفتند که مکان‌های موجود در آذربایجان در میان ده‌ها پایگاه و تأسیسات نظامی مخفی در چندین کشور دیگر از جمله عراق، امارات متحده عربی و سومالی‌لند قرار داشتند. ظاهراً نیروهایی که ابتدا به‌عنوان تیم‌های بالقوه امداد و نجات در مواقع اضطراری در نظر گرفته شده بودند، دامنه فعالیت‌شان گسترش یافت و به مواضع نظامی و جاسوسی تبدیل شدند. سی‌ان‌ان در ادامه نوشت: منابع آگاه می‌گویند، مجموع این استقرارها در کشورهای مختلف نیروهای اسرائیلی را طی جنگ در حاشیه جنوبی، غربی و شمالی ایران قرار داده و برد عملیاتی ارتش اسرائیل را صدها مایل به اعماق خاک ایران افزایش داد. این مواضع امکان انجام دادن حملات مکرر علیه اهدافی در سراسر ایران را فراهم کرد. یکی از منابع مدعی شد که عملیات آذربایجان شامل ده‌ها نیرو از جمله اعضای نیروهای ویژه عملیاتی اسرائیل، نیروی نخبه هوای رزمی و امداد و نجات و کارکنان موساد بود. در همین حال یکی از منابع نیز در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان مدعی شد که جمهوری خودخوانده سومالی‌لند در شاخ آفریقا، که اسرائیل اخیراً در اقدامی جنجالی آن را به رسمیت شناخت، یک پایگاه

گروه بین‌الملل: شبکه سی‌ان‌ان به نقل از منابع آگاه مدعی شد که یگان‌های نظامی و اطلاعاتی اسرائیل در مدت جنگ تحمیلی اخیر علیه ایران برای پشتیبانی عملیات به‌صورت محرمانه در تأسیسات و پایگاه‌هایی در جمهوری آذربایجان مستقر شده بودند. طبق ادعای این منابع که به‌صورت ناشناس با شبکه سی‌ان‌ان گفت‌وگو کردند این استقرار بخشی از شبکه‌ای از پایگاه‌های پنهان در سراسر غرب آسیا بود تا عملیات علیه ایران را تسهیل کند. پیش‌تر نیز روزنامه وال‌استریت ژورنال، گزارشی درباره وجود دو پایگاه مخفی نظامی اسرائیل در خاک عراق در مدت جنگ علیه ایران منتشر کرده بود که از این پایگاه‌ها برای پشتیبانی عملیات‌های متجاوزانه علیه ایران استفاده شده است. سی‌ان‌ان در گزارش اختصاصی خود مدعی شد: دو منبع گفتند که نیروهای مذکور از چندین مکان در جنوب آذربایجان در مجاورت مرز شمالی ایران و در نزدیک‌ترین نقطه - ۶۰ مایلی (حدود ۱۰۰ کیلومتری) تبریز - عملیات می‌کردند. دو منبع دیگر گفتند که یگان‌های ویژه کماندویی نیز در این مکان مستقر شدند و مأموریت‌های جمع‌آوری اطلاعات و عملیات پهنادی انجام دادند که در جریان جنگ برای اسرائیل، جایگاه

دیپلماسی

گره آخر تفاهم

مذاکرات به پیچ سرنوشت‌ساز نزدیک شد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

ایران و آمریکا پس از یک نبرد ۴۰ روزه و آتش‌بسی که از ۱۹ فروردین ماه سال جاری برقرار شد، رفته‌رفته پیش به‌سوی رفع اختلافات برای رسیدن به یک توافق گام برمی‌دارند. شبکه خبری العربیه به نقل از یک منبع مطلع، ادعا کرد که سازوکار پیشنهادی برای آزادسازی بخشی از دارایی‌های مسدود شده ایران همچنان مانعی کلیدی در مراحل نهایی توافق احتمالی بین تهران و واشنگتن است.

سی‌ان‌ان نیز مدعی شد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به مشاوران خود گفته که هیچ توافقی را امضا نخواهد کرد که در آن آمریکا مستقیماً به ایران پول بپردازد و این موضوع را با توجه به مقایسه‌هایی که با توافق اوپاما انجام می‌شود، مدنظر دارد. توافق سال ۲۰۱۵ میلغ ۱.۷ میلیارد دلار برای ایران آزاد کرد، رقمی که در مقایسه با ۱۲ میلیارد دلار که ایران به‌عنوان بخشی از مذاکرات کنونی خواستار آن شده، ناچیز است.

همچنین بحث‌هایی در مورد یک صندوق سرمایه‌گذاری برای ایران صورت گرفته که پس از نهایی شدن توافق بین دو طرف، میلیارد‌ها دلار برای بازسازی فراهم کند. ایالات متحده در این صندوق سرمایه‌گذاری نخواهد کرد و بخش عمده پول از کشورهای حاشیه خلیج فارس تأمین خواهد شد.

روزنامه تلگراف هفته گذشته در گزارشی ادعا کرد که ایران تنها در صورتی توافقی صلح با آمریکا را امضا خواهد کرد که ۲۴ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدودشده آزاد شود. در همین حال، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در یک اظهار نظر مدعی شد که در صورت حصول توافق میان ایران و آمریکا، دیدار مستقیم او با سران ایرانی امکان‌پذیر است. وی همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگاری مدعی شد که به‌دنبال دیدار با مقام معظم رهبری نیست اما اگر این اتفاق می‌افتاد، مایه افتخار او بود.

ترامپ در سخنانی مبهم به خبرنگاران گفت که به زودی متوجه توافق با ایران خواهند شد و بخش مهم آن بازگشایی فوری تنگه هرمز است. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین ادعا کرد که اگر سربازان این کشور در نتیجه حملات کشته شوند، امکان از سرگیری درگیری‌ها وجود خواهد داشت. ترامپ در ادامه مدعی شد که این «باراک اوپاما» و «جو

از یک‌سوی، دموکرات‌ها با تمرکز بر افزایش قیمت نفت به او فشار می‌آورند و از سوی دیگر، اعضای تندرو پایگاه سیاسی‌اش هشدار می‌دهند که خروج زود هنگام از جنگ به منزله تسلیم خواهد بود. ترامپ همچنین به‌طور خصوصی از سوی برخی قانون‌گذاران جمهوری خواه، مقام‌های پنتاگون و متحدان عرب حوزه خلیج فارس می‌شوند که بازگشت به کارزار بمباران، گزینه مناسبی نیست. از سوی دیگر ترامپ تمایلی ندارد، توافقی را بپذیرد که شباهتی به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ داشته باشد. ترامپ به روشنی اعلام کرده که نمی‌تواند «توافق بدی» امضا کند و کاملاً آگاه است که هر اشتباه محاسباتی می‌تواند به میراث سیاسی او آسیب بزند.

مجلس نمایندگان آمریکا روز چهارشنبه با ۲۱۵ رأی موافق در برابر ۲۰۸ رأی مخالف، طرحی را تصویب کرد که رئیس‌جمهور را موظف می‌کند، نیروهای آمریکایی را از درگیری با ایران خارج کند. این نخستین بار است که از زمان آغاز عملیات «خشم حماسی» یکی از دو مجلس کنگره چنین طرحی را به تصویب می‌رساند که در آن چهار جمهوری خواه نیز به این قطعنامه رأی مثبت می‌دهند. اقدامی که ترامپ آن را «بی‌معنا» توصیف کرد. او گفت: دموکرات‌ها گرفتار سندرم نفرت از ترامپ هستند. اما آن چهار جمهوری خواه داستان دیگری دارند: آنها فقط دنبال جلب توجه‌اند و باید از خودشان خجالت بکشند.

در جلسات استماع کنگره طی روزهای شنبه و چهارشنبه دموکرات‌ها از مارکو رابینو، وزیر خارجه آمریکا، به دلیل بی‌توجهی دولت به پیامدهای اقتصادی جنگ برای مردم آمریکا و ناتوانی در پیش‌بینی بسته شدن تنگه هرمز انتقاد کردند. در یکی از تدرین تبادل نظر‌ها، «کوری بوکر» سناتور دموکرات ایالت نیوجرسی، آتش‌سوزی متزلزل را نشانه برتری ایران دانست. او گفت: «ما قدرتمندترین کشور روی زمین هستیم و اکنون با ایران در بن‌بست قرار گرفته‌ایم. حالا هم برای بازگشت به توافقی التماس می‌کنیم که خودتان قبلاً آن را ناسود کردید». رابینو



این انتقاد را رد و تأکید کرد که حملات نظامی، ایران را تحت فشار شدید قرار داده و بخش مهمی از رهبری ارشد آن را از میان برده و اقتصادش را در وضعیت بحرانی قرار داده است. او پاسخ داد: «هیچ‌کس التماس نمی‌کند. نمی‌دانم این تصور را از کجا آورده‌اید که ایران قوی‌تر شده است». به باور کارشناسان و ناظران چنین وضعیتی از یک مشکل عمیق‌تر برده برمی‌دارد. در حالی که دستیابی به توافق با ایران مبهم بنظر می‌رسد، ترامپ ظاهراً ترجیح می‌دهد مشکلات را به تعویق بیندازد تا اینکه مستقیماً با آنها روبه‌رو شود. شاید خشونت‌ها متوقف شوند اما هر صلحی موقتی و ذاتاً بی‌ثبات خواهد بود. احتمال دارد، جنگ در سال‌های آینده به‌صورت دوره‌ای از سر گرفته شود؛ با پیامدهای سنگین برای همه طرف‌ها. در چنین وضعیتی تهران بیش از هر زمان دیگری مصمم است، تصویری از پیروزی در اختیار ترامپ قرار ندهد؛ به همین دلیل نه در میدان نبرد و نه پشت میز مذاکره عقب‌نشینی نمی‌کند.

بخواهیم، آنها بتوانند جلوی ما را بگیرند اما دلیلی هم برای این کار وجود ندارد. این اورانیوم دهن شده است». با این حال ترامپ چندی پیش مدعی شد که توافق با ایران نزدیک است اما شاید چند هفته دیگر برای تکمیل آن طول بکشد. او گفت: «خود مذاکره خیلی خوب پیش می‌رود. ممکن است اتفاق نیفتد اما اگر اتفاق بیفتد، ممکن است آخر هفته اتفاق بیفتد». ارفاتل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز روز جمعه در یک نشست خبری اعلام کرد که ایران و آمریکا در حوزه هسته‌ای نسبتاً به توافق نزدیک هستند.

همه این تحولات در حالی رخ می‌دهد که مجموعه‌ای از حملات متقابل آمریکا و ایران در طول هفته جاری، نگرانی‌های تازه‌ای درباره احتمال فروپاشی آتش‌بس ایجاد کرده است. بر این اساس نگرانی فزاینده‌ای در داخل دولت و میان مشاوران و متحدان کلیدی ترامپ شکل گرفته که او اکنون در موقعیتی دشوار گرفتار شده است.

اروپا

نامه بی‌سابقه زلنسکی به پوتین

روسیه واکنش نشان داد

«ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین در نامه‌ای به «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه، نوشت: «هرچه در مورد ناتو، ژئوپلیتیک و زبان روسی می‌گویند، این جنگ انتخاب شخصی شماست؛ جنگی بدون دلیل واقعی!» طبق گزارش راشا تودی، زلنسکی در این نامه نوشت: «شما انتظار مقاومت تمام‌عیار از اوکراین را نداشته‌اید و پیش‌بینی نمی‌کردید که اوضاع تا این حد پیش برود. اما همه ما اینجا هستیم؛ در پنجمین سال رویارویی تمام‌عیار. به‌رغم پیشروی‌های روسیه، اوکراین استقلال خود را حفظ می‌کند و آن را حفظ خواهد کرد». وی افزود: «از خروج از جنگ ترسیدم، این اصلی‌ترین چیزی است که اکنون از شما لازم است. ما در اوکراین جنگ دائمی نمی‌خواهیم. ما به خوبی می‌دانیم که بدون جنگ بی‌نهایت بهتر است». رئیس‌جمهور اوکراین در پایان ادعا کرد: «ما اسناد اطلاعاتی را دیدیم که نشان می‌دهد، شما در حال بررسی برنامه‌های جنگی برای سال‌های ۲۰۲۷ و ۲۰۲۸ نیز هستید. شما می‌خواهید بلاروس را بیشتر درگیر جنگ کنید و ما اکنون مجبوریم برای آن نیز آماده شویم». در همین حال «ادیمیتری اسکوف» سخنگوی کرملین نیز در واکنش به نامه «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین خطاب به «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه عنوان کرد: «اما نامه زلنسکی را دیدیم و زلنسکی هر زمان که بخواهد، می‌تواند به مسکو بیاید». سخنگوی کرملین در ادامه تأکید کرد: «البته پوتین هنوز محتوای نامه زلنسکی را بررسی نکرده است». اسکوف با اشاره به روابط روسیه و آمریکا خاطرنشان کرد: «من باور ندارم که روابط بین روسیه و آمریکا به‌سوی وخامت باشد. در واقع هیچ جایی برای عقب‌نشینی وجود ندارد، غیرممکن است». وی افزود: «ما هرگز جایگاه ایالات متحده را ایده‌آل‌سازی نکرده‌ایم زیرا سلاح‌های آمریکایی دائماً به اوکراین عرضه و به نیروهای مسلح اوکراین فروخته می‌شوند. بنابراین ما هرگز درگیر ایده‌آل‌سازی نبوده‌ایم». سخنگوی کرملین در پاسخ به این سوال که آیا جایگاه ایالات متحده به‌عنوان میانجی در حل‌وفصل اوکراین در بحبوحه تحریم‌ها و صحبت‌های آنها مبنی بر اینکه طرف اوکراین هستند، تغییر کرده است، گفت: «با تمام احترامی که برای ایالات متحده و حسن‌نیت آن قائلیم، منافع ملی روسیه برای ما اصلی‌ترین چیز است».



یاد

یاد یار گره‌گشا

برگزاری غریبانه چهارمین سالگرد درگذشت سید محمود دعایی

نور چشم آیت‌الله خویی

آیت‌الله‌العظمی محمد اسحاق فیاض درگذشت



آیت‌الله‌العظمی محمد اسحاق فیاض، یکی از سه مرجع تقلید شیعیان نجف که به علت بیماری در بیمارستان بستری شده بود، با مداد پنج‌شنبه در ۹۶ سالگی درگذشت. آیت‌الله فیاض، بعد از وفات آیت‌الله محمد سعید حکیم در سپتامبر سال گذشته در کنار آیت‌الله علی سیستانی و آیت‌الله بشیر نجفی، یکی از سه مرجع تقلید عمده در نجف به‌شمار می‌رفت. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، آیت‌الله جعفر سبحانی، سیدحسن خمینی و مسعود یزیشکیان با صدور پیام‌های جداگانه ارتحال آیت‌الله فیاض را تسلیت گفتند. در بخشی از پیام آیت‌الله جوادی آملی آمده: «ارتحال فقیه عالی قدر حضرت آیت‌الله‌العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض (رضوان‌الله‌علیه) سانه‌ای صعب و ثلمه‌ای سنگین بود. امید است روح آن مرجع عالی مقام با اهل بیت عصمت و طهارت محشور و حوزه‌های علمیه مآجور باشند. به اهل بیت آن فقیه رحیل تسلیت عرض می‌شود.» آیت‌الله سبحانی هم در پیام خود آورده: «ایشان عمر پربرکت خویش را در راه تدریس، تحقیق و تألیف سپری کردند و با تربیت نسل‌های فراوانی از دانش‌پژوهان و برجای گذاشتن گنجینه‌ای ارزشمنند از معارف اسلامی، خدمت بزرگی به حوزه‌های علمیه و جهان اسلام نمودند؛ میراثی که آیندگان در گذر زمان از آن بهره‌مند خواهند شد.»

از مشهد تا نجف

محمد اسحاق فیاض، سال ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۰۹ شمسی) در منطقه جاغوری، ولایت غزنی، افغانستان، واقع در جنوب غرب ولایت کابل به دنیا آمد. او دومین فرزند خانواده‌ای هزاره‌ای بود و پدرش یک کشاورز ساده بود. به اهتمام پدرش جهت فراگیری علوم در حوزه‌های علمیه مشغول به تحصیل شد و پس از آموختن قرآن، کتاب «جامع‌المقدمات» و «بهبه‌المرضیه» را فراگرفت. برای مدت تقریباً یک سال همراه آصف محسنی در مدرسه شیخ وحیدی هوتقول درس خواند. بعد از آن راهی مشهد شد. ادامه تحصیلاتش را در مشهد و نجف ادامه داد و شروع به تکمیل علوم حوزوی کرد. در نجف کتاب «قوانین‌الاصول» از ابوالقاسم قمی و قسمتی از کتاب «روضه‌البهیة» در شرح کتاب لمعه را نزد میرزا کاظم تبریزی و سیداسدالله مدنی و میرزا علی خراسانی و کتاب «رسائل» و «مکاسب محرمة» شیخ مرتضی انصاری را نزد مجتبی لنگرانی آموخت، و این مراحل ادامه داشت تا اینکه در آغاز ۲۰ سالگی به جلسات درس خارج تی چند از علماء و اساتید برجسته حوزه علمیه نجف وارد شدند. پس از گذشت چند ماه سرانجام حلقه درس خارج استاد الفقهاء و المجتهدین، حضرت آیت‌الله خویی (قدس سره الشریف) را برگزید و به مدت ۱۵ سال از محضرشان بهره بردند. در همان سال‌های نخست ضمن تحقیق و تعمق، استخراج مصادر و تطبیق آراء و ادله، درس‌های استاد گران قدر خود را تقریر و به محضرشان عرضه کردند و پس از تأیید استاد و نوشتن تقریظ، طی ۱۰ مجلد و با عنوان «محاضرات فی اصول الفقه» منتشر شد. در قسمتی از تقریظ حضرت آیت‌الله خویی بر تقریرات آن مرحوم آمده است: «از جمله کسانی که موفق به تربیت او شده‌ام، نور چشمم علامه مدقق و فاضل شیخ محمد اسحاق فیاض (دامت تأییداته) است. وی جلد اول کتاب خود را بر من عرضه نمود، این کتاب تقریر بحث‌های من است که با سبک و شیوه‌ی روان، دریافت دقیق قابل ستایش و شگفت‌انگیز به نگارش درآمده است.»

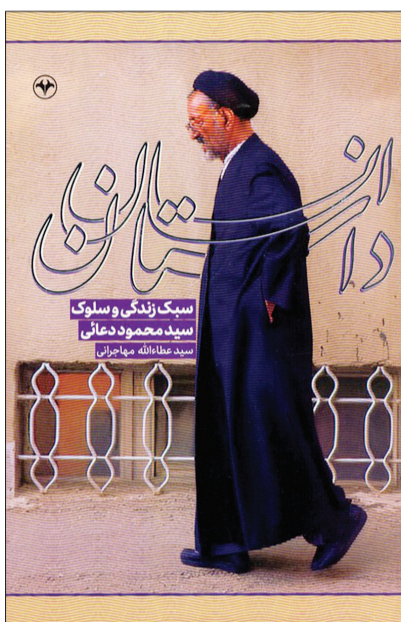
در این بین نیز به حلقه استفتانات زعیم حوزه‌های علمیه وارد شدند که این امر زمینه‌ساز بحث‌های علمی فراوان با استاد و احاطه هرچه بیشتر تر ایشان به مسائل گوناگون علمی شد. مرحوم فیاض تدریس علوم دینی را که از اوایل ورود به نجف آغاز کرده بود را با تدریس کتاب‌های «کفایه‌الاصول»، «رسائل» و «مکاسب» در مسجد هندی و جامعه‌التحفة الدینیة در سال‌های متعددی ادامه داد. سرانجام در سال ۱۳۵۷ تدریس دروس خارج فقه و اصول را در مدرسه کوچک یزدی آغاز می‌کنند و در مدرسه دارالعلم و مسجد هندی ادامه می‌دهد.

پس از درگذشت حضرت آیت‌الله خویی در نجف اشرف و با وجود مخاطرات و مشکلات فراوان از جانب حکومت بعثی، آن مرحوم با عنایت الهی در نجف ماندگار شدند و آثار متعددی را در موضوعات فقه، اصول فقه، بانک داری اسلامی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، حقوق مالکیت فکری، مسائل پزشکی و غیره تألیف کرد.

مرحوم پرداختند و از فرزند کویر بودن آن مرحوم که نیمه یزدی و کرمانی است سخن گفتند و دلایل ورودشان به مبارزات برای پرورش درستی که از مادر یافته بودند، یاد کردند.

مکاشفه شخصیت مکتوم دعایی

در مراسم چهارمین سالگرد درگذشت مرحوم دعایی کتاب «داستان انسان» نوشته سیدعطاءالله مهاجرانی که به معرفی سلوک و زندگی سیدمحمود دعایی می‌پردازد، به عنوان یادگار این مراسم به شرکت‌کنندگان اهدا شد. سیدمحمود دعایی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در عرصه سیاست و رسانه فعالیت مستمر و مؤثری داشت و تا زمان درگذشتش



در میانه خوف و رجای این روزها که زندگی مردم درگیر در بین جنگ و صلح است، مراسم چهارمین سالگرد درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعایی با عنوان «یاد یار گره‌گشا» عصر سه‌شنبه ۵ خرداد با برگزاری دعای عرفه در بیست آن مرحوم، بسا حضور محمدجواد حجتی کرمانی، پیروز حناچی، سیدحسین مرعشی و جمعی از دوستان و علاقه‌مندان ایشان برگزار شد. تفاوت مراسم سالگرد امسال با سال‌های گذشته برگزاری آن در منزل شخصی آن مرحوم بود که تناسب تامی با ساده‌زیستی و سلوک ایشان داشت. سیدمحمود دعایی بی‌شک مهم‌ترین چهره و نماد روزنامه «اطلاعات» پس از پیروزی انقلاب است و سال‌های گذشته مراسم سالگرد درگذشتش با محوریت موسسه اطلاعات برگزار می‌شد اما امسال در بزرگداشت او در این موسسه برنامه خاصی برگزار نشد و این غفلت جای تأمل و سوال دارد. در این مراسم پس از دعای عرفه که توسط داماد ایشان خوانده شد، دکتر محمد ابراهیم وحیدی از دوستان قدیمی مرحوم به داستان‌های مولانا و شمس و شباهت آن داستان‌ها با سلوک مرحوم سید محمود دعایی اشاره کرد که به «یار گره‌گشا» از آن یاد می‌شود و به ذکر خاطراتی از ایشان پرداخت. در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین فراهانی با اشاره به اهمیت اخلاقیات در این زمانه برای عبور از سختی‌ها به خصوصیات اخلاقی مرحوم دعایی پرداختن و به تأثیری که به رفتن ظاهری افراد نیز از بین نمی‌رود نیز اشاره کردند قبل از پخش نماهنگ «یار گره‌گشا» فرزند مرحوم دعایی با سپاس از حضور تمام مهمانان از حضور یادگار امام که روز عرفه سال پیش در کنار خانواده بر سر مزار مرحوم بزرگوارانه حضور یافتند قدردانی کرد و گفت با توجه به شرایط جنگی امسال امکان اعلام عمومی برنامه سالگرد مانند سال‌های گذشته مهیا نشد. پس از پخش نماهنگ، نشست دوستانه‌ای با سخنران حجت‌الاسلام حجتی کرمانی و مهمانان این مراسم همراه شد که به ذکر خاطره‌گویی از آن

گزارش: سینمای ایران

مرگ فیلمساز چپ ضدسلطنت

به بهانه درگذشت مرجان ساتراپی، تصویرگر و فیلمساز ایرانی

را هم به مردم ایران تقدیم کرد. با این حال هنوز هم نسبت به دیدگاه و نگاه این فیلمساز و فیلم به دوره‌ای تاریخی از ایران محل بحث و مناقشه است. او را شاید بتوان اولین فیلمساز ایرانی دانست که خارج از ایران، فیلمی در سطح نمایش بین‌المللی ساخت که سعی داشت در آن نیز تصویری واقعی از رویدادهای پیش از انقلاب نشان دهد. او در سال ۱۳۴۸ در رشت و در خانواده‌ای با گرایش چپ به‌دنیا آمد: «خانواده من از طبقه متوسط بودند و انقلاب نیز از دل همین طبقه برخاست. دوستانی را به‌یاد می‌آورم که پیش از انقلاب از زندان آزاد می‌شدند و من حتی نمی‌دانستم که زندانی بوده‌اند. آنها داستان‌های زیادی از زندان‌های شاه تعریف می‌کردند. یاد می‌آید وقتی کودک بودم، حتی پدر و مادرم که از شاه رضایت نداشتند، در

مرجان ساتراپی فیلمساز، تصویرگر و نویسنده ایرانی، روز پنج‌شنبه در ۵۶ سالگی در کشور فرانسه درگذشت. درباره علت مرگ این کارگردان، تنها چیزی که در



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ

رسانه‌ها منتشر شد، اندوه حاصل از درگذشت همسرش ماتیاس ریبا بود. ماتیاس ریبا، سال گذشته در اثر ابتلا به سرطان درگذشته بود. مرجان ساتراپی در جوانی و درحالی که تنها ۶ اثر را به‌عنوان کارگردان ساخت، بار دیگر نام او را در رسانه‌های ایران و جهان مطرح کرد. نامی که از سال ۲۰۰۷ و با انتشار کتاب تصویری «پرسپولیس» خیلی زود و با سرعتی بالا در جهان سینما مطرح شد. فیلم انیمیشنی که او با کمک ونسان پارونو ساخت، جایزه هیأت داوران جشنواره فیلم کن را به‌دست آورد و سپس به‌عنوان نماینده فرانسه در اسکار حضور پیدا کرد. اما آنچه «پرسپولیس» ساتراپی را تبدیل به یک فیلم معروف در سطح سینمای جهان کرد، نگاه یک‌جانبه‌ای بود که او توانسته بود از دریچه کارتون و انیمیشن به بخشی از زندگی و تاریخ معاصر ایران داشته باشد. پرسپولیس موفق‌ترین کار ساتراپی بود و این‌گونه خواهد ماند. او در سال ۲۰۰۰ ابتدا کتاب مصور «پرسپولیس» را منتشر کرد اما به‌سرعت کتاب به زبان‌های مختلف ترجمه شد و سپس بیش از یک‌ونیم میلیون نسخه آن در سراسر جهان به‌فروش رفت.

یک داستان شخصی

تا پیش از «پرسپولیس»، آثاری در ارتباط با ایران در خارج از کشور توسط ایرانی‌ها و خارجی‌ها ساخته شده بود، اما این فیلم‌ها به‌دلیل آنکه نمی‌توانستند داخل ایران ساخته شوند، نه فقط از نظر صحنه‌پردازی و کمبود بازیگر که از منظر شناخت فرهنگ و روابط اجتماعی ایرانی نیز دچار مشکلات اساسی بودند. به همین خاطر، فیلم‌های مرتبط با ایران، اغلب از نظر سینمایی ضعیف بوده و نه در ایران و نه خارج از ایران، نمی‌توانستند در میان آثار موفق قرار بگیرند. ساتراپی اما با کارتون، تاحدودی توانست این خلأ و مشکل را حل کند. او در انیمیشن پرسپولیس تصاویر و داستان‌هایی را از دوران کودکی‌اش در زمان یک دهه قبل از انقلاب تا دوران بزرگسالی‌اش که دهه دوم و سوم بعد از انقلاب است، روایت می‌کند. پرسپولیس در زمان مطرح‌شدنش از سوی مسئولان فرهنگی ایران پذیرفته نشد و به آن «فیلم ضدایرانی» اطلاق شد. موضوعی که ساتراپی هرگز آن را نپذیرفت. او جایزه‌اش در کن



پنجره‌ای که قیصر گشود

اولین خواننده لس آنجلسی
که در تهران روی صحنه رفت

سرانجام قیصر آمد. روز پنج‌شنبه و در جشن چند کیلومتری عید غدیر، قیصر روی صحنه رفت و برای علاقه‌مندان حاضر در میدان امام‌حسین برنامه اجرا کرد. او را می‌توان اولین خواننده لس آنجلسی دانست که سرانجام به ایران آمد و در تهران برنامه اجرا کرد. موضوعی که طی سال‌های اخیر، بارها در خبرها و گزارش‌های رسمی و غیررسمی رسانه‌ای مطرح شده بود اما کمتر کسی فکرس را می‌کرد، خواننده‌ای که از میان خوانندگان به‌عنوان اولین نفر در ایران برنامه اجرا می‌کند، قیصر باشد. پیش از قیصر، حبیب محبیان، خواننده، آهنگساز و نوازنده به ایران آمده بود. حبیب در سال ۱۳۸۸ بعد از نامه‌ای که به رئیس‌جمهور وقت نوشت، مجوز حضور در ایران را گرفت اما در اوایل دهه ۹۰ به دلیل ضبط موزیک ویدئوی یکی از آثارش، دستگیر شد. حبیب هیچ‌گاه در ایران نتوانست برای مخاطبان و هوادارانش کنسرتی برگزار کند. موضوعی که وقتی صحبت از بازگشت نصرالله معین، دیگر خواننده محبوب و پرطرفدار لس آنجلس به ایران شد، برخی ماجرای ناکامی حبیب را به او یادآوری می‌کردند. معین به ایران بازنگشت و وقتی هم که گفته شد چهار خواننده سرشناس ایرانی خارج از کشور مجوزهای لازم را برای بازگشت گرفته‌اند، معین اعلام کرد که در میان آنها نیست. اما در حالی که گمانه‌زنی‌ها برای یافتن اسامی خواننده‌هایی که گفته می‌شد به ایران بازخواهند گشت، ادامه داشت، این قیصر بود که برگشت.

البته این قیصر با آنچه سال‌ها علاقه‌مندان به سینما می‌شناختند، کاملاً متفاوت بود. قیصر کیمیایی یک جاهل سربراه شده بود که زندگی، او را به مسیر متفاوتی می‌کشاند. با کت و شلوار مشکی که کتاش را روی شانه می‌انداخت و پاشنه کفش‌های پاشنه تخم‌مرغی‌اش را ور می‌کشید و دست به انتقام می‌زد. قیصری که روز گذشته در میدان اصلی شهر تهران روی صحنه رفت، داستان متفاوتی دارد. زمانی که نام او به‌عنوان یک خواننده لس آنجلسی مطرح شد، بیش از همه، همین اسم بود که جلب توجه می‌کرد. در واقع تصویری که از قیصر در فرهنگ عامه ایران وجود داشت، در اوایل دهه ۷۰ با پیدا شدن خواننده‌های به این نام، دچار شوک شد.

نامش بیش‌بلور و متولد سال ۱۳۴۸ در محله سرچشمه تهران است. او نوه حبیب‌الله بلور، کشتی‌گیر و مربی نامدار کشتی ایران در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ بود که پایش به سینما باز شد و در بیش از ۲۰ فیلم هم بازی کرد. محمدعلی فردین، ستاره سابق سینما، غلامرضا تختی، امامعلی حبیبی و بسیاری دیگر از قهرمانان کشتی ایران از شاگردان حبیب‌الله بلور بودند.

قیصر در ماجرای جنگ اخیر و حملات اسرائیل و آمریکا به ایران، موضعی ملی‌گرایانه گرفت و همین باعث شد در فضای مجازی و در جدال سنگین میان دو گروه مخالف و موافق، برای مدتی نقش اول را داشته باشد. او در همان روزهای اول حمله و بعد از جنایت مدرسه شجره‌طیبه میناب که به کشته شدن ۱۵۶ غیرنظامی که در میان آنها ۱۲۰ دانش‌آموز حضور داشتند، نسبت به این واقعه واکنش نشان داد. موضوعی که باعث شد نام و تصویر این خواننده که موسیقی‌اش سال‌ها غیرمجاز و پخش تصویر او شش‌دنی نبود، در رسانه‌های رسمی و حتی صداوسیما دیده شود. او همان‌طور که گفته شد در فضای مجازی اما از سوی مخالفان حکومت و طرفداران جنگ به‌شدت مورد حمله قرار گرفت. او بعد از شروع جنگ و به‌خصوص جنایت مدرسه میناب در ویدئویی که در اینستاگرامش منتشر کرد، گفت: «آمریکا در میناب ۱۷۰ بچه را کشت و سلب‌ریتی‌های خارج‌نشین و داخلی این را نمی‌بینند و خودشان را به نفهمی زده‌اند. خود آمریکایی‌ها صدایشان درآمده و می‌گویند ما این مدرسه را زدیم اما اینها هیچ‌چیز نمی‌گویند. نقاب کسانی که ادعای وطن‌پرستی و بشردوستی می‌کردند، افتاد». قیصر قبل از آن هم در یک استوری در صفحه شخصی خود در اینستاگرام، اسرائیل را قاتل کشته‌شدگان اعتراضات دی‌ماه خوانده بود.

با تمام این تفاسیر قیصر روز گذشته نه‌تنها آهنگی را برای کودکان میناب در میدان امام‌حسین تهران اجرا کرد، بلکه این اتفاق را می‌توان یک تابوشکنی در تاریخ موسیقی ایران به‌حساب آورد. او در روزهایی که بسیاری از خوانندگان داخلی نیز با مشکل دریافت مجوز و اجرای کنسرت مواجه هستند، در جایی روی صحنه رفت که بسیاری از مخاطبانش از کسانی بودند که در زمره مخالفان برگزاری کنسرت هستند. با این‌وجود شاید حضور قیصر روی استیجی در وسط تهران، نشانه‌ای هم از باز شدن مسیری باشد که نزدیک ۵ دهه مسدود شده است؛ آیا شایعاتی که سال‌های اخیر درباره بازگشت برخی از چهره‌های کوچ کرده به ایران شنیده می‌شد، در حال تحقق یافتن است و آیا قیصر کسی بود که این پنجره را باز کرد؟



دهاسی نوشته است: «اولین بار که دیدم دعایی خم شد و دست کسی را بوسید، دست پدرم بود. دعایی تازه نماینده شده بود. بعد از شهادت ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس دوره اول، در فاجعه هفتم تیرماه ۱۳۶۰، برادرم محسن هم تازه شهید شده بود. سیدمحمود دعایی در انتخابات میان‌دوره‌ای که در تابستان ۱۳۶۰ برگزار شد، به مجلس راه یافته بود. از طریق سیدمحمد خاتمی با سیدمحمود دعایی آشنا شدم و به قول استاد اسلامی نندوشن گل‌مان با هم گرفت! وقتی آقای دعایی با پدرم دست داد و دست پدرم را توی دست نگه داشت و گفت: «به به، چه دست‌های کارگری مردانه و محکمی!» دست‌های پدرم مثل پارچه‌زیر و سخت بود؛ نشانی از یک عمر بیل زدن در زمین و کارگری و بنایی. پدرم لبخند زد، ناگاه دعایی خم شد و دست پدرم را بوسید. پدرم غافل‌گیر شده بود. دست‌وپایش را گم کرده بود بهت را در نگاهش دیدم، من شانه آقای دعایی را بوسیدم و سپس، شب در خانه‌مان که کنار مجلس بود پدرم با تعجب گفت: من در عمرم فقط حاج آخوند را دیده بودم که دست دیگران را می‌بوسید، دست پیر مردان ده را می‌بوسید، دست کودکان را می‌بوسید.»

با این‌که کتاب «داستان انسان» از منظری شخصی تألیف شده، اما رویکرد آن به گونه‌ای است که می‌توان آن را در رده آثار مستند تاریخی-اجتماعی نیز جای داد. مهاجرانی در خلال روایت زندگی دعایی، تلاش کرده ابعاد کمتر شناخته‌شده‌ای از شیوه مدیریت، زیست معنوی و کنش‌گری‌های روزمره او را ثبت کند. شیوه سلوکی که هنوز در خاطر بسیاری از اهالی فرهنگ زنده است، اگر چه ممکن است مؤسسه‌ای که مرحوم دعایی شناخته‌شده و هویت آن محسوب می‌شود و باید در زنده‌نگه‌داشتن این یاد و نام بیش از همه تلاش کند، به علل نامعلومی چندان کاری در این خصوص انجام نمی‌دهد.



اجرای وصیت ادیب برومند

هم‌چنین در بخش‌هایی از کتاب، به عملکرد مرحوم دعایی در موقعیت‌های خاص اجتماعی و سیاسی پرداخته شده؛ از جمله اقامه نماز میت برای برخی افراد که واکنش‌های متنوعی از سوی جامعه و نهادهای مختلف در پی داشته است. مهاجرانی در بخش «نمازت کی شود هرگز نمازی!» با اشاره به این‌که دعایی به طنز می‌گفته: «من می‌بایست وزیر نماز میت می‌شدم» درباره یکی از بحث‌برانگیزترین نماز میت‌های او می‌نویسد: «برخی از این نمازها تبدیل به ماجرا شد. مثل نمازش بر مرحوم عبدالعلی ادیب برومند که در ۹۲ سالگی درگذشت و وصیت کرده بود سیدمحمود دعایی بر او نماز بخواند. نماز دعایی دو تفسیر از سوی دو طیف کاملاً متقابل و بلکه متضاد پیدا کرده بود. انقلابیون درون کشور و نظام می‌گفتند چرا ایشان بر دشمنان نظام و امام نماز می‌خواند؟ و براندازان خارجی که می‌گفتند: «او از طرف حکومت مأمور به اجرای نماز میت است، تا مشاهیر در گذشته را به نظام وصل کند. حکومت جمهوری اسلامی به ازای هر میتی که دعایی بر او نماز بخواند، قیر مجانی می‌دهد و پول نماز میت هم از خانواده میت نمی‌گیرد.» [نقل شده از سایت رادیو زمانه]

در هم در همین حد از بلاغت برهنه! نماز بر مرحوم ادیب برومند، شخصیت علمی و فرهنگی و شاعر و رهبر جبهه ملی پیامدهای ویژه‌ای داشت. «

حرکت نمادین دست‌بوسی

یکی دیگر از رفتارهای منحصربه‌فرد زنده‌یاد دعایی ادای احترام به بزرگان فرهنگ و دین با حرکت نمادین دست‌بوسی بود. مهاجرانی در این مورد و مواجهه‌اش با اولین نمونه از دست‌بوسی

روایت شمس است، شناخت. در واقع مکاشفه یک انسان، چنان که در کتاب «حکمت‌های بیابان» آمده، سفری معنوی است، سفری به غایت دشوارتر و پیچیده‌تر از سفر به سوی آسمان‌ها، ژرفاهای آسمان‌های جان، ژرف‌تر از آسمان این جهان است. «

تصویری که مهاجرانی در «داستان انسان» از مرحوم دعایی ارائه می‌دهد در عین حال که ناظر به زندگی فردی اوست، در بستر تحولات گسترده‌تری چون انقلاب اسلامی ایران و شرایط اجتماعی دهه‌های پس از آن قرار می‌گیرد. از جمله بخش‌های قابل توجه کتاب، اشاره به ارتباطات خانوادگی دعایی به‌ویژه نقش مادر او در شکل‌گیری برخی ویژگی‌های فکری و رفتاری‌اش است. در بخش «والایی مقام محمود» آمده: «آیت‌الله محمدجواد حجتی کرمانی در سخنرانی تالار وحدت، در بزرگداشت نام و یاد سیدمحمود دعایی، از مادر سیدمحمود به عنوان شکل‌دهنده‌ی شاکله شخصیت او یاد کرده است. «مادر مادر مادر!» شاید این تکرار سه بار نام مادر، اقتباس از حدیث نبوی باشد. البته حجتی کرمانی با بلاغتی که در سخن دارد، با یاد مرحوم آسید محمد دعایی زارچی پدر سیدمحمود دعایی، سه بار می‌گوید عفا‌الله عنه... سیدمحمود دعایی که در کودکی و نوجوانی و جوانی تا ۲۲ سالگی تصویری از پدر نداشت و مفهوم پدر برایش مفهومی انتزاعی شده و در دوردست قرار داشت، با آشنایی با امام خمینی، پدر آرمانی خود را می‌یابد؛ پدری که محبوب و به مثابه‌ی مراد بود و شخصیت سیدمحمود دعایی در حلقه حضور و تربیت او بالید و برکشید و با انقلاب تبدیل به چهره‌ای انقلابی و ملی شد. اما مادر در زندگی سیدمحمود دعایی در دوران شکل‌گیری و قوام شخصیت او نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز داشت. «

خانه با ترس دربار او صحبت می‌کردند. اگر در مدرسه می‌گفتم شاه خوب نیست، برایم در دسرس درست می‌شد. اینها چیزهایی است که به‌یاد دارم و از بازنویسی تاریخ متفرم». مرجان، شخصیت اصلی داستان، فرزند یک خانواده سیاسی مخالف حکومت پهلوی در ادوار مختلف بوده است و همین زاویه نگاه داستان را تا پایان تعیین می‌کند. اما تصویری که او از دهه ۶۰ و ۷۰ ایران نیز در بخش دوم «پرسپولیس» ارائه می‌دهد، از این سو محل تقدای تند است و باعث شده که فیلم هیچ‌گاه به شکل رسمی در ایران اکران یا منتشر نشده و هنوز نیز روی خوشی به آن نشان نشود.

علاوه بر انتقادهایی که طرفداران سلطنت و دوران پیش از انقلاب از تصویر ساتراپی از آن دوران دارند، انتقادهایی از این سو مطرح است که فیلم نمی‌تواند و نباید خودش را به زندگی تمام زنان ایرانی تعمیم بدهد. ساتراپی همان‌طور که خودش می‌گوید فرزند یک خانواده طبقه متوسط رو به بالا بوده و دغدغه‌های متفاوتی به‌خصوص در دهه‌های شصت و هفتاد با بخشی از جامعه که در سطح دیگری زندگی می‌کردند، داشته است. در دهه شصت خیلی از خانواده‌ها به‌خاطر جنگ فرزندان‌شان را به خارج فرستادند و اما بیشتر خانواده‌ها این کار را نکردند و فرزندان‌شان را به جبهه فرستادند. حتی دغدغه بخش عمده‌ای از زنان ایرانی در شهرها و روستاهای مختلف، در آن دوران، به‌مراتب متفاوت‌تر از دختری از طبقه متوسط رو به بالا بوده که بعد از سال‌ها زندگی در خارج، به ایران بازمی‌گردد.

«با اینکه داستان بسیار شخصی است، یک مستند درباره زندگی من نیست؛ بلکه اثری است که بر پایه تجربه‌های شخصی‌ام شکل گرفته است. من احساس مسئولیت می‌کردم». او در گفت‌وگویی که در سال ۲۰۰۷ انجام داده در جمله‌ای ظاهراً متناقض، گویی بر این حقیقت مهر تأیید می‌زند که فیلم یک داستان شخصی را روایت می‌کند، هرچند او از نوعی حس ملی‌گرایانه هم حرف می‌زند، وقتی که می‌گوید: «نمی‌توانستم اجازه بدهم یک فیلم دیگر مانند بدون دخترم هرگز ساخته شود». او همان‌طور که خودش هم گفته، در پرسپولیس تصویری که از خودش در فیلم ارائه می‌کند، تصویر کاملاً مثبتی نیست. یکی از کسانی که بدترین کارها را در این فیلم انجام می‌دهد، شخصیت خود او (مرجان) است.

اما شاید آنجایی مهم است که می‌گوید: «من در نهایت فقط داستان شخصی خودم را تعریف می‌کنم. همیشه گفته‌ام که سیاستمدار یا مورخ نیستیم، من فقط انسانی هستیم که در زمان و مکانی خاص به‌دینا آمده و اتفاقاتی را به‌یاد می‌آورد. سعی می‌کنم تا حد ممکن به احساسات آن کودک نزدیک بمانم». و شاید این حرف‌ها بار مسئولیت زیادی که نسبت به اثر او وجود داشت، سال‌ها قبل از دوش آن برداشته باشد؛ اینکه پرسپولیس یک داستان شخصی است که در یک بستر تاریخی خاص تعریف می‌شود.

پرسپولیس در گذر زمان

درباره آثار هنری همواره زمان بهترین قاضی است و این اتفاق می‌تواند درباره فیلم «پرسپولیس» نیز صدق کند. فیلم در سال ۲۰۰۷ به‌نمایش درآمد و در همان سال‌ها به ایران رسید. در سال‌های میانی و پایانی دهه هشتاد که کشور فضای اجتماعی خاصی را سپری می‌کرد، روزهایی که دهه پنجاهی‌ها و شصتی‌ها، جوانان وسط میدان معادلات اجتماعی بودند، فیلم با توجه به روایت نوستالژی بخشی از تاریخ ایران توانست در ایران جایگاه خودش را میان همان نسل باز کند. اما آیا این فیلم می‌تواند با نسل زد و نسل‌های تازه‌ای که مخاطبان اصلی اکنون و آینده هستند هم ارتباط برقرار کند؟ هیچ‌چیز مشخص نیست و شاید زمان بهترین داور در این ارتباط باشد. روزنامه‌گردین در ارتباط با او نوشت: «شاهکار کمیک‌بوک ساتراپی، یعنی «پرسپولیس»، تصویری را که خوانندگان غربی از ایران داشتند، دگرگون کرد».

یوان اسفار، کارتنیست فرانسوی بعد از درگذشت ساتراپی نوشت: تو با کمیک‌ها جهان را تغییر دادی... من خواهر دوقلوی خود را از دست داده‌ام. «پرسپولیس» در دوران اکرانش در جهان هم مورد توجه قرار گرفت. فیلم جایزه هیأت داوران جشنواره کن را گرفت و نامزد نخل طلا شد. همچنین در گلدن گلوب و اسکار، به‌عنوان بهترین فیلم خارجی نیز نامزد بود.

از دیگر نکات جالب فیلم، حضور کاترین دونو و دخترش کیارا ماسترویانی به‌عنوان صدایشگان نسخه اصلی این فیلم است. کاترین دونو، از بازیگر سرشناس فرانسوی است که در فیلم «داستان‌های موزی» آخرین اثر اصغر فرهادی نیز بازی کرده. کیارا ماسترویانی، هنرپیشه و خواننده فرانسوی که یکی دیگر از نقش‌های اصلی را حرف زده، دختر کاترین دونو و مارچلو ماسترویانی هنرپیشه سرشناس ایتالیایی است.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

حذف تدریجی

رانت قیمت گذاری به جیب چه کسانی واریز می شود؟

محمود صنعتی

گروه اقتصاد

در ماه‌های اخیر، تحولات سیاسی و رویدادهای غیراقتصادی بخش قابل‌توجهی از توجه افکار عمومی و رسانه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در نتیجه، برخی اقدامات مهم اقتصادی که می‌توانند، آثار بلندمدتی بر کاهش فساد و بهبود کارایی اقتصاد داشته باشند، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این اقدامات، حرکت تدریجی به سمت حذف نرخ‌های دستوری و کاهش رانت‌های ناشی از قیمت‌گذاری اداری در بازارهای مالی و ارزی است. در حوزه ارز، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تیم اقتصادی دولت طی یک سال گذشته، کاهش معنادار فاصله میان نرخ ارز آزاد و نرخ‌های دستوری بوده است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده بود که وجود چند نرخ برای ارز، نهایتاً به کنترل بازار کمک نمی‌کند بلکه بستری گسترده برای شکل‌گیری رانت و فساد فراهم می‌آورد. اختلاف میان نرخ رسمی و نرخ بازار، فرصت‌های سودآوری بدون ریسک را برای گروه‌های خاص ایجاد می‌کرد و منابع عمومی را به جای تخصیص به فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های رانتی سوق می‌داد. پرونده‌هایی مانند «چای دشب» تنها یکی از نمونه‌های شناخته‌شده پیامدهای چنین سازوکاری بودند. از این منظر، کاهش شکاف میان نرخ‌های مختلف ارز را می‌توان یکی از مهم‌ترین اصلاحات اقتصادی سال اخیر دانست؛ اصلاحی که اگر تداوم یابد، می‌تواند بخشی از زمینه‌های فساد ساختاری را از بین ببرد. اما رانت تنها به بازار ارز محدود نمی‌شد. نمونه دیگری از این وضعیت در بازار اوراق بدهی دولتی مشاهده می‌شد. در سال‌های گذشته، دولت نرخ سود اوراق بدهی موسوم به «اراد» را به صورت دستوری و در سطوحی پایین‌تر از نرخ تعادلی بازار تعیین می‌کرد. درحالی که نرخ بهره بازار در مقاطعی به حدود ۴۰ درصد می‌رسید، نرخ سود این اوراق در محدوده ۳۰ درصد نگه داشته می‌شد. نتیجه طبیعی چنین سیاستی، کاهش تقاضا برای خرید مستقیم اوراق بود زیرا سرمایه‌گذاران، انگیزه کافی برای پذیرش بازدهی پایین‌تر از نرخ بازار نداشتند. در این شرایط، گروهی از واسطه‌ها وارد میدان می‌شدند و با دریافت هزینه‌های اضافی، امکان فروش اوراق را برای پیمانکاران و دارندگان آنها فراهم می‌کردند. به بیان دیگر، شکاف میان نرخ دستوری و نرخ واقعی بازار به منبعی برای کسب درآمدهای بادآورده تبدیل شده بود؛ درآمدهایی که نه حاصل نوآوری و بهره‌وری بلکه ناشی از وجود یک قیمت‌گذاری غیرواقعی بود. برآوردها نشان می‌دهد که این سازوکار سالانه بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان رانت مستقیم برای گروهی محدود ایجاد می‌کرد؛ رانتی که در نهایت هزینه آن از جیب دولت و منابع عمومی پرداخت می‌شد.

طی ماه‌های اخیر، تغییر مهمی در این رویه رخ داده است. عرضه اوراق بدهی دولتی اکنون بیش از گذشته بر مبنای نرخ‌های بازار انجام می‌شود و به‌جای سرکوب دستوری نرخ سود، تنها تخفیف‌هایی برای خریداران عمده در نظر گرفته می‌شود؛ روشی که در بسیاری از کشورهای دنیا نیز مرسوم است. در چنین شرایطی، اگر سمت تقاضا رقابتی باقی بماند و محدودیت‌های اداری مانع شکل‌گیری رقابت نشود، می‌توان انتظار داشت که بخش مهمی از بستر رانت در این بازار از میان برود. با این حال اصلاحات انجام شده را نمی‌توان پایان مسیر دانست. نخستین چالش جلوگیری از بازگشت سازوکارهای رانتی گذشته است. تجربه نشان داده، گروه‌هایی که از وضعیت‌های غیرشفاف و قیمت‌گذاری‌های دستوری منتفع می‌شوند معمولاً در برابر اصلاحات مقاومت می‌کنند و تلاش دارند، امتیازات پیشین خود را حفظ کنند. موفقیت اصلاحات اقتصادی زمانی تضمین می‌شود که امکان بازگشت به رویه‌های سابق از میان برود.

چالش دوم به سیاست نرخ بهره بانک مرکزی مربوط می‌شود. درحالی که برخی اصلاحات در بازار اوراق انجام شده، نرخ سود در دالان سیاستی بانک مرکزی همچنان در سطوحی پایین‌تر از واقعیت‌های بازار قرار دارد. باقی ماندن این شکاف، نوعی یارانه پنهان و رانت برای شبکه بانکی ایجاد می‌کند و می‌تواند، بخشی از آثار مثبت اصلاحات اخیر را خنثی کند. از این‌رو تکمیل فرآیند اصلاحات مستلزم بازنگری در سازوکار تعیین نرخ بهره و حرکت به سمت نرخ‌هایی است که انعکاس‌دهنده شرایط واقعی اقتصاد باشند. در مجموع، کاهش رانت ارزی و اصلاح سازوکار عرضه اوراق بدهی را می‌توان از مهم‌ترین اقدامات اقتصادی یک سال گذشته دانست. اقداماتی که اگرچه کمتر در معرض توجه افکار عمومی قرار گرفته‌اند اما در صورت تداوم می‌توانند نقش مهمی در کاهش فساد، افزایش شفافیت و بهبود کارایی اقتصاد ایفا کنند.

نقطه رضایت

چه سطحی از درآمد برای رفاه کافی است؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

برای سال‌ها این باور در میان پژوهشگران، رسانه‌ها و افکار عمومی رواج داشت که افزایش درآمد تنها تا سطح مشخصی به افزایش رفاه و خوشبختی منجر می‌شود. یکی از مشهورترین مطالعات در این زمینه، پژوهش دنیل کانمن و آنگوس دیتون در سال ۲۰۱۰ بود که براساس داده‌های نظرسنجی در ایالات متحده نتیجه گرفت، رفاه تجربه شده افراد تا حدود ۷۵ هزار دلار درآمد سالانه افزایش می‌یابد اما پس از آن رشد چندانی نمی‌کند. این یافته به سرعت به یکی از شناخته‌شده‌ترین گزاره‌ها در ادبیات اقتصاد رفاه تبدیل شد و بارها در رسانه‌ها و کتاب‌های عمومی تکرار شد. با این حال پژوهش‌های جدیدتر که از داده‌های گسترده‌تر و روش‌های دقیق‌تر اندازه‌گیری رفاه استفاده کرده‌اند این نتیجه را به چالش کشیده‌اند. مهم‌ترین نمونه، مطالعه متیو کیلینگزورث در سال ۲۰۲۱ است که با بهره‌گیری از بیش از ۱۰۷ میلیون گزارش لحظه‌ای از احساسات و تجربیات روزمره بیش از ۳۳ هزار نفر در آمریکا انجام شد. برخلاف پژوهش‌های پیشین که از افراد می‌خواستند احساسات گذشته خود را به خاطر آورند، در این مطالعه وضعیت روانی افراد در لحظه‌های مختلف زندگی ثبت می‌شد بنابراین تصویر دقیق‌تری از تجربه واقعی آنها ارائه می‌کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که رفاه تجربه شده و رضایت کلی از زندگی نهایتاً تا سطح ۷۵ هزار دلار متوقف نمی‌شوند بلکه در سطوح بالاتر درآمد نیز به افزایش خود ادامه می‌دهند. به بیان دیگر، شواهدی برای وجود یک آستانه مشخص که پس از آن درآمد دیگر بر رفاه اثر نداشته باشد، مشاهده نشد. البته این بدان معنا نیست که هر واحد افزایش درآمد به یک اندازه رفاه ایجاد می‌کند. پژوهشگران نشان داده‌اند که رابطه میان درآمد و رفاه بیشتر به‌صورت خطی با لگاریتم درآمد است. در عمل این یعنی دو برابر شدن درآمد معمولاً با افزایش مشابهی در رفاه همراه است اما تأثیر هر دلار اضافی برای افراد کم‌درآمد بسیار بیشتر از افراد پردرآمد است. برای مثال، افزایش درآمد از ۳۰ هزار دلار به ۶۰ هزار دلار معمولاً تأثیر بیشتری بر کیفیت زندگی دارد تا افزایش درآمد از ۳۰۰ هزار دلار به ۳۳۰ هزار دلار هرچند هر دو افزایش می‌توانند، اثر مثبت داشته باشند. مطالعات جدید همچنین نشان می‌دهند که درآمد بالاتر از طریق افزایش امنیت مالی، کاهش استرس‌های اقتصادی، فراهم کردن آزادی انتخاب بیشتر و ایجاد احساس کنترل بر زندگی به بهبود رفاه ذهنی کمک می‌کند. افرادی که منابع مالی بیشتری در اختیار دارند معمولاً در انتخاب محل زندگی، شغل، آموزش، خدمات درمانی و نحوه گذراندن اوقات فراغت آزادی عمل بیشتری دارند و همین موضوع می‌تواند، کیفیت تجربه روزمره زندگی آنها را ارتقا دهد. در عین حال پژوهشگران تأکید می‌کنند که درآمد تنها یکی از عوامل مؤثر بر رفاه است. سلامت جسمی و روانی، کیفیت روابط خانوادگی و اجتماعی، احساس معنا و هدف در زندگی، امنیت شغلی و شرایط محیطی نیز نقش مهمی در تعیین میزان رضایت افراد از زندگی دارند. بنابراین اگرچه درآمد بیشتر به‌طور متوسط با رفاه بیشتر همراه است اما نمی‌توان آن را تنها عامل



خوشبختی دانست. یافته‌های جدید نشان می‌دهند که ایده وجود یک آستانه ثابت برای «درآمد کافی» چندان با شواهد علمی سازگار نیست. برخلاف تصور رایج گذشته، افزایش درآمد حتی در سطوح بالاتر نیز می‌تواند با احساس بهتر در زندگی روزمره و رضایت بیشتر از زندگی همراه باشد. با این حال، این رابطه کاهنده است؛ به این معنا که هرچه درآمد افراد بیشتر شود، منفعت حاصل از هر واحد درآمد اضافی کمتر خواهد شد. از این‌رو به‌جای جست‌وجوی یک عدد جادویی برای خوشبختی، بهتر است درآمد را یکی از عوامل مهم در کنار سایر مؤلفه‌های رفاه انسانی در نظر بگیریم.

اگرچه پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که رفاه با افزایش درآمد همچنان رشد می‌کند و آستانه ثابتی مانند ۷۵ هزار دلار در آمریکا وجود ندارد، تعمیم مستقیم این اعداد به ایران امکان‌پذیر نیست. سطح درآمدی که برای رفاه «کافی» تلقی می‌شود به هزینه‌های زندگی، نرخ تورم، قیمت مسکن، کیفیت خدمات عمومی و انتظارات اجتماعی هر کشور بستگی دارد. از این‌رو به‌جای مقایسه با رقم ۷۵ هزار دلار باید مفهوم اصلی این مطالعات را در نظر گرفت: رفاه زمانی افزایش می‌یابد که درآمد بتواند امنیت مالی، آزادی انتخاب و احساس کنترل بر زندگی را تقویت کند.

اما پرسشی که برای ما اهمیت دارد این است که چه سطحی از درآمد برای رفاه یک فرد ایرانی کافی است؟

به‌منظر می‌رسد در کشور ما با توجه به تورم مزمن و کاهش قدرت خرید، درآمد کافی را نمی‌توان با یک عدد ثابت تعریف کرد. با این حال می‌توان گفت، سطحی از درآمد که هزینه‌های اساسی یک خانوار شامل مسکن، خوراک، حمل‌ونقل، درمان، آموزش، پس‌انداز و بخشی از هزینه‌های تفریح و اوقات فراغت را بدون فشار مالی تأمین کند معمولاً با رفاه بالاتر همراه است. در چنین شرایطی افراد بخش کمتری از انرژی ذهنی خود را صرف نگرانی‌های مالی می‌کنند و فرصت بیشتری برای تمرکز بر روابط اجتماعی، رشد فردی و کیفیت زندگی دارند. یافته مهم مطالعات جدید این است که حتی پس از عبور از سطح تأمین نیازهای اولیه، افزایش درآمد همچنان می‌تواند رفاه را بهبود بخشد. درآمد بیشتر معمولاً به‌معنای مسکن بهتر، زمان آزاد بیشتر، دسترسی

به خدمات درمانی و آموزشی باکیفیت‌تر و توانایی مقابله با شوک‌های اقتصادی است. بنابراین برخلاف تصور رایج، نمی‌توان نقطه مشخصی را تعیین کرد که پس از آن درآمد دیگر هیچ تأثیری بر رفاه نداشته باشد. با این حال همان‌طور که پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند، رابطه درآمد و رفاه از نوع «بازده نزولی» است. یعنی افزایش درآمد برای فردی که در تأمین نیازهای اولیه خود مشکل دارد، تأثیر بسیار بیشتری بر کیفیت زندگی خواهد داشت تا برای فردی که از قبل در سطح بالایی از رفاه قرار دارد. به بیان دیگر فاصله گرفتن از فقر و ناامنی اقتصادی بیشترین اثر را بر رفاه دارد اما در سطوح بالاتر نیز درآمد بیشتر همچنان می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی کمک کند هرچند شدت این اثر کمتر می‌شود. در نتیجه، اگر بخواهیم پیام این پژوهش‌ها را برای کشورمان خلاصه کنیم باید گفت که رفاه به یک آستانه درآمدی ثابت محدود نمی‌شود. آنچه اهمیت دارد، توانایی درآمد در ایجاد امنیت اقتصادی، کاهش استرس مالی و افزایش آزادی انتخاب است. هرچه درآمد افراد این اهداف را بهتر محقق کند احتمال برخورداری از رفاه و رضایت بیشتر از زندگی نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین برای یک ایرانی، درآمد کافی نه یک عدد مشخص بلکه سطحی از درآمد است که بتواند علاوه بر تأمین نیازهای ضروری، امکان برنامه‌ریزی برای آینده، پس‌انداز، تفریح و برخورداری از کیفیت زندگی مطلوب را فراهم کند. اگر معیار را زندگی بدون فشار مالی محسوس، امکان پس‌انداز و برخورداری از سطح مناسبی از رفاه در نظر بگیریم برای یک خانوار متوسط شهری در ایران امروز می‌توان از درآمدی حدود ۵۰ تا ۸۰ میلیون تومان در ماه سخن گفت. زیر این سطح، بخش بزرگی از درآمد صرف هزینه‌های ضروری می‌شود و فشار اقتصادی بر رفاه اثر منفی می‌گذارد. بالاتر از این سطح نیز رفاه همچنان افزایش می‌یابد اما با سرعت کمتر. بنابراین برخلاف تصور وجود یک عدد جادویی، می‌توان گفت در شرایط فعلی ایران، درآمد ماهانه حدود ۶۰ تا ۷۰ میلیون تومان برای یک خانوار متوسط شهری نقطه‌ای است که بسیاری از نیازهای مادی را پوشش می‌دهد و امکان دستیابی به سطح مناسبی از رفاه را فراهم می‌کند هرچند افزایش درآمد پس از آن نیز معمولاً با رضایت بیشتر از زندگی همراه خواهد بود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۳۰۰۲۴۹ مورخ ۱۴۰۵/۱۱/۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیگ کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۱۰۵۲ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی علی خدابخنده لو فرزند شوبد به شماره شناسنامه ۶۹۴۳۲ و کد ملی ۴۳۲۰۶۸۸۱۸۱ صادره از قزوین در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۰/۸۷ متر مربع از پلاک ۱ اصلی واقع در بخش ۱۶ قزوین حوزه ثبت ملک آبیگ می باشد. احراز مالکیت مشاعی متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا را به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد. شناسه آگهی: ۲۱۹۱۱۱۱ تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

علی مافی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آبیگ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۶۸۰۰۱۲۵۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۵ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۶۸۰۰۱۳۴۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی مالکیت آقای محمد حسینیعلی به شناسنامه شماره ۱۱۲۲ کد ملی ۴۳۲۲۱۱۹۰۸۵ صادره از قزوین فرزند رمضانعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزورعی به مساحت ۳۵۰ متر مربع پلاک شماره ۲۴ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین انتقالی برابر سند رسمی مشاعی - سند قطعی به شماره ۲۸۰۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۸ دفتر خانه اسناد رسمی ۵۷ قزوین از منصور حسن بیگی تائید و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی: ۲۱۹۴۶۵۰ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

صمد قدیم آبادی
رئیس ثبت اسناد و املاک

موجودی ۲۱ میلیارد دلاری

وقتی یک کارگر ساده در شهر «وان» ترکیه روی صندلی ایلان ماسک نشست!

فانزه مومنی

گروه اجتماعی



تصور کنید برای خرید یک باکس شیر، چند قرص نان و احتمالاً مقداری پنیر به سوپرمارکت محله‌تان رفته‌اید؛ کارت بانکی را می‌کشید اما دستگاه پوز با بوقی ممتد می‌نویسد: «خطا در شبکه» یا «عدم موجودی». با کلافگی به اولین شعبه بانک مراجعه می‌کنید تا پرسید چرا کارت‌تان در این موقعیت شما را سکه یک پول کرده است اما به محض اینکه کارمند بانک موجودی حساب‌تان را روی مانیتور نگاه می‌کند، رنگش می‌پرد، با دستانی لرزان سرپرست شعبه را صدا می‌زند، مدیر شعبه سراسیمه از اتاقش بیرون می‌آید و نیم‌ساعت بعد، خود را در محاصره مأموران پلیس مبارزه با جرایم مالی می‌بینید! این سناریوی هالیوودی، داستان فیلم جدید تفلیکس نیست؛ این دقیقاً همان کابوس شیرین و سوررئالی است که چندی پیش برای «احمد جهانگرد تقالو» شهروند ۳۲ ساله آذربایجانی مقیم شهر «وان» در شش‌ساعتی ترکیه رخ داد. مردی که بدون آنکه خودش بداند برای چند ساعت به یکی از ثروتمندترین مردان سیاره زمین تبدیل شد اما حالا حتی پول خرید همان نان شب را هم در جیب ندارد!

پادشاهی چند ساعته با ۹۹ قروش اضافه!

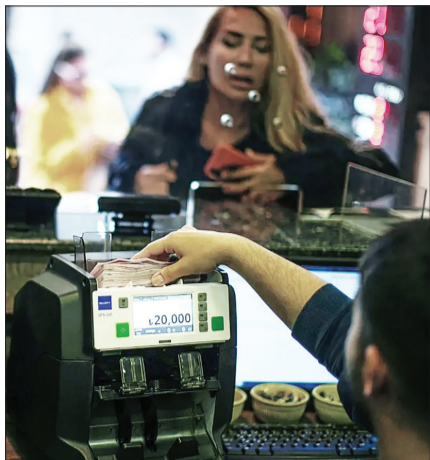
همه چیز از یک خرید ساده آپارتمانی شروع شد. احمد جهانگرد که حدود ۱۰ سال است از جمهوری آذربایجان به شهر مرزی وان مهاجرت کرده و یک زندگی معمولی را می‌گذراند با از کار

افتادن کارت بانکی‌اش روانه بانک شد. اما بررسی سیستماتیک حساب او، رقمی را نشان داد که ماشین حساب‌های معمولی برای شمارش صفرهایش کم می‌آورند: ۹۹۹ میلیارد و ۹۹۹ میلیون و ۹۹۹ هزار و ۹۹۹ لیر و ۹۹۹ قروش!

سیستم بانکی ترکیه در یک خطای ناشناخته یا تراکنشی اسرارآمیز، نزدیک به «یک تریلیون لیر» (معادل دقیق ۲۱.۸ میلیارد دلار) را به حساب این مهاجر آذربایجانی واریز کرده بود. برای اینکه درک بهتری از این عدد داشته باشید، کافی است بدانید با این پول، احمد جهانگرد تقالو می‌توانست به راحتی در لیست ثروتمندترین افراد جهان، ششانه به شانه غول‌های فناوری دنیا بایستد، چندین باشگاه فوتبال در لیگ برتر انگلیس را یکجا بخرد یا به تنهایی بودجه سه سالانه چند کشور کوچک را تأمین کند. اما بخش کمی-تراز یک ماجرا آنجا بود که طراحان این تراکنش عجیب حتی از آن ۹۹۹ قروش انتهای عدد هم نگذشته بودند تا حساب احمد به سقف مطلق ممکن در سیستم‌های دیجیتال برسد!

وقتی مدیر شعبه دست‌وپایش را گم کرد

احمد تقالو در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی NTV ترکیه، آن لحظات دلهره‌آور و در عین حال کمدی درون شعبه بانک را این‌گونه توصیف می‌کند: «وقتی به بانک مراجعه کردم و کارمند موجودی را دیدم، باورش نمی‌شد. فوراً سرپرست خود را صدا زدم سپس مدیر شعبه هم آمد. همه کارمندان دور مانیتور جمع شده بودند و با چشم‌های گرد شده به من و صفحه نمایش نگاه می‌کردند. پول در حساب ظاهر شده



بود اما مأموران مبارزه با جرایم مالی (MASAK) صاعقه‌وار وارد عمل شده و حساب را قفل کرده بودند. هیچ‌کس در آن اتاق نمی‌توانست این اتفاق را باور کند». واقعیت این است که بخش بانکی ترکیه تحت نظارت صلب و قوانین سخت‌گیرانه مبارزه با پولشویی قرار دارد و نهادهای مالی به‌طور مداوم تراکنش‌های غیرعادی را رصد می‌کنند. در سال‌های اخیر سازمان‌های مبارزه با جرایم مالی در ترکیه نظارت خود را بر انتقال‌های مشکوک به شدت افزایش داده‌اند تا با کلاهبرداری و جریانات مالی غیرقانونی مقابله کنند. ورود یک‌باره ۲۱.۸ میلیارد دلار به حساب مردی که تا دیروز تراکنش‌هایش از چند هزار لیر فراتر نمی‌رفت مانند به‌صدا درآمدن آژیر قرمز در اتاق فرمان مرکزی بانکداری ترکیه بود. نتیجه؟ حساب فوری مسدود شد و تحقیقات گسترده آغاز گشت.

با ۲۲ میلیارد دلار چه کار می‌شود کرد؟

نکته بامزه پناه بردن این میلیاردر کاغذی به تکنولوژی برای درک ابعاد شانس از دست رفته‌اش است! تقالو اعتراف کرده که در روزهای قرنطینه مالی‌اش، وقتی دید بانک هیچ پاسخی به او نمی‌دهد، دست به دامن هوش مصنوعی شد و از چت‌بات‌ها پرسید: «اگر کسی ۲۱.۸ میلیارد دلار داشته باشد، چه کارهایی می‌تواند بکند؟»

او پاسخ‌های جالبی دریافت کرد؛ هوش مصنوعی به او پیشنهاد داد که با این بودجه عظیم می‌تواند، پروژه‌های زیرساختی و ابرسازه در سطح ملی بسازد، شهرهای هوشمند تأسیس کند یا مقادیر بسیار عظیمی طلا بخرد که بازار جهانی را تکان دهد! رویایی باشکوه که احتمالاً احمد در شب‌های تنهایی‌اش در وان به آن فکر کرده است؛ خرید هواپیماهای خصوصی، سرمایه‌گذاری در بورس‌های جهانی و تبدیل شدن به «بیل گیتس»! شرق ترکیه. اما افسوس که همه اینها تنها روی صفحه نمایش چت‌بات هوش مصنوعی باقی ماند.

ثروتمندترین فقیری که حق خرید یک آدامس را هم ندارد!

حالا نزدیک به یک ماه از این اتفاق سوررئال می‌گذرد. مقامات بانکی و دادستانی ترکیه تا این لحظه به‌طور رسمی اعلام نکرده‌اند که منشأ این پول کجاست؛ آیا یک اشتباه تایپی سیستماتیک در وارد کردن کدهای بانکی (بحران Fat-finger) بوده یا یک هک بزرگ و سست‌وشوی ناموفق پول که از سامانه‌های بانکی عبور کرده و در حساب احمد لنگر انداخته است؟ اما فارغ از پاسخ این معما، وضعیت فعلی احمد جهانگرد تقالو مصداق بارز ضرب‌المثل «آتش نخورده و دهان سوخته» است. او با وجود اینکه رسماً میلیاردها دلار پول را در کارنامه حساب خود ثبت کرده در حال حاضر حتی به پول‌های شخصی، واقعی و دسترنج خود نیز دسترسی ندارد! بانک کل پورتال او را بلوکه کرده و او باید تا پایان تحقیقات طولانی مدت مبارزه با جرایم مالی بدون هیچ پولی منتظر بماند. کاربران شبکه‌های اجتماعی ترکیه با زبان طنز به این ماجرا واکنش نشان داده‌اند. یکی نوشته است: «او اکنون ثروتمندترین فردی است که برای کرایه اتوبوس باید از دیگران پول قرض کند!» و دیگری آورده: «بانک‌ها برای ۱۰۰ لیر وام، ما را ماه‌ها سسر می‌دانند، چطور یک تریلیون لیر بدون متوجه شدن سامانه‌ها جابه‌جا می‌شود؟» داستان احمد، یک یادآوری کنایه‌آمیز از دنیای دیجیتال امروز است؛ دنیایی که در آن یک باگ کامپیوتری می‌تواند، شما را برای چند ساعت پادشاه جهان کند و فردا صبح همان کامپیوتر شما را به یک پیاده‌گرد بی‌پول تبدیل سازد! احمد جهانگرد حالا باید منتظر بماند تا کارشناسان بفهمند این پول‌ها واقعاً یک اشتباه دیجیتالی بوده است یا خیر.

جامعه

شتاب دوباره تورم

هزینه زندگی در مسیر صعود

تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت شاخص قیمت مصرف‌کننده، نشان می‌دهد که روند صعودی تورم در کشور بار دیگر شدت گرفته است. براساس این گزارش، نرخ تورم سالانه در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ به ۵۷.۷ درصد رسیده که نسبت به ماه قبل ۴ واحد درصد افزایش یافته و از تداوم فشارهای معیشتی بر خانوارها حکایت دارد.

مطابق آمار منتشرشده، شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور در اردیبهشت به عدد ۶۱۹.۶ رسیده؛ رقمی که نسبت به فروردین‌ماه ۸.۸ درصد افزایش داشته است. این میزان رشد ماهانه در شرایطی ثبت شده که تورم نقطه‌به‌نقطه نیز به ۸۳.۹ درصد رسیده است. به بیان دیگر خانوارهای ایرانی برای خرید مجموعه‌ای یکسان از کالاها و خدمات در مقایسه با اردیبهشت سال گذشته به‌طور متوسط نزدیک به ۸۴ درصد هزینه بیشتری پرداخت کرده‌اند.

بررسی جزئیات گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که تورم ماهانه در بخش «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» با ۹.۵ درصد رشد از تورم گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» که ۸ درصد بوده، پیشی گرفته است. این موضوع بیانگر آن است که افزایش قیمت‌ها تنها به اقلام خوراکی محدود نبوده و بخش گسترده‌ای از هزینه‌های روزمره خانوارها را دربر گرفته است.

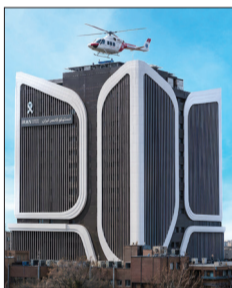
از سوی دیگر، شسکاف تومی میان دهک‌های درآمدی نیز افزایش یافته است. نرخ تورم سالانه برای دهک دوم درآمدی به ۶۳.۲ درصد رسیده درحالی‌که این رقم برای دهک دهم ۵۵.۹ درصد گزارش شده است. بر این اساس فاصله تومی دهک‌ها به ۷.۳ واحد درصد افزایش یافته که نسبت به ماه گذشته ۱.۱ واحد درصد بیشتر است. این آمار نشان می‌دهد، خانوارهای کم‌درآمد بیش از سایر گروه‌ها تحت‌تأثیر موج گرانی قرار گرفته‌اند.

همزمان، اختلاف آماری میان دو نهاد رسمی نیز قابل توجه است. درحالی‌که مرکز آمار، نرخ تورم سالانه اردیبهشت را ۵۷.۷ درصد اعلام کرده، بانک مرکزی این شاخص را ۵۳.۹ درصد برآورد کرده است. با وجود این تفاوت آماری هر دو گزارش از تداوم روند افزایشی قیمت‌ها و تشدید فشار بر قدرت خرید خانوارهای ایرانی حکایت دارند؛ موضوعی که همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود.

سلامت

انیستیتو کانسر ایران افتتاح شد

۶۰۰ تخت و ۱۹ اتاق عمل برای بیماران سرطانی خاورمیانه



دهها پیش زیر فشار ظرفیت کار می‌کنند. بیماران از سراسر کشور برای درمان به تهران می‌آیند و نوبت‌های طولانی جزئی از بیماری‌شان شده بود. عبدالرحمن رستمیان، رئیس مجتمع بیمارستانی امام‌خیمینی، در مراسم افتتاحیه گفت که تنها دو ماه پس از شروع فعالیت آزمایشی ۳۰۰ بیمار در بیمارستان بستری هستند و هزاران نفر خدمات فوق‌تخصصی دریافت کرده‌اند. بیمارستان هنوز با تمام ظرفیت کار نمی‌کند؛ فرایند استخدام کادر درمان در جریان است.

سل‌تراپی؛ درمانی که ایران دنبالش بود

مهم‌تر از متراژ و تعداد تخت، فناوری‌هایی است که این بیمارستان ادعای دسترسی به آنها را دارد. انیستیتو کانسر جدید قرار است علاوه بر جراحی، شیمی‌درمانی و رادیوتراپی، سل‌تراپی و ایمونوتراپی هم ارائه دهد؛ روش‌هایی که در درمان برخی سرطان‌های خونی و بدخیم، نتایج چشمگیری داشته‌اند

گروه اجتماعی: روز پنج‌شنبه، همزمان با عید غدیر، ساختمان جدید انیستیتو کانسر ایران در مجتمع بیمارستانی امام‌خیمینی تهران به بهره‌برداری رسید. پروژه‌ای که ۶ سال طول کشید، ۱۲ هزار میلیارد تومان هزینه برداشت و حالا ادعا می‌کند، بزرگ‌ترین مرکز تخصصی درمان سرطان در خاورمیانه است.

۶۰۰ تخت، ۱۹ اتاق عمل

ساختمان ۱۸ طبقه با زیربنای ۶۰ هزار مترمربع، روی کاغذ رقم‌های قابل‌توجهی دارد: ۵۶۳ تخت بستری، ۱۰۳ ICU، ۱۹ اتاق عمل و ۱۲ تخت اورژانس. مرکز قدیمی انیستیتو کانسر ۲۰۰ تخت داشت. این یعنی ظرفیت بستری سه‌برابر، ۱۰ ICU برابر و ظرفیت پیوند مغز استخوان دو برابر شد. اما این اعداد وقتی معنا پیدا می‌کنند که بدانیم سرطان در ایران هر سال جان بیش از ۵۰ هزار نفر را می‌گیرد و بیمارستان‌های تخصصی موجود از

آگهی تحدید حدود اختصاصی



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان ایلام

نظر به اینکه تحدید حدود :

۱_ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۲۰۹ فرعی از ۴۸ اصلی واقع در ایلام - اراضی چشمه داوی، توسط آقای حسین عبداللهی درخواست ثبت گردیده بعمل نیامده است ، لذا حسب تقاضای شخص مذکور مطابق ماده ۱۵ قانون ثبت تحدید حدود اختصاصی پلاک فوق‌الذکر در ساعت ۱۱ ظهر روز تیر مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ به عمل خواهد آمد.

بنابراین به صاحبان املاک مجاور و افرادی که خود را ذیحقی می‌دانند اخطار می‌گردد در تاریخ فوق در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند و در صورت عدم حضور مجاورین تحدید حدود طبق حدود اظهار شده از طرف متقاضی انجام خواهد گرفت ، چنانچه هر یک از مجاورین که به حدود پلاک فوق اعتراض داشته باشند، اعتراض آنها از تاریخ تحدید حدود به مدت ۳۰ روز از طرف اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام پذیرفته خواهد شد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۵/۰۳/۱۶

حامد فیض‌الهی سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو ایلام

شناسه آگهی ۲۱۹۷۱۴۵

آگهی تحدید حدود اختصاصی



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان ایلام

نظر به اینکه تحدید حدود :

۱_ ششدانگ یک قطعه باغ پلاک ۲۰۲۸ فرعی از ۵۹ اصلی واقع در ایلام - بین فرودگاه ایلام و سرطاف منطقه وربلین ، توسط آقای کریم دادگر درخواست ثبت گردیده بعمل نیامده است ، لذا حسب تقاضای شخص مذکور مطابق ماده ۱۵ قانون ثبت تحدید حدود اختصاصی پلاک فوق‌الذکر در ساعت ۱۱ ظهر روز تیر مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ به عمل خواهد آمد.

بنابراین به صاحبان املاک مجاور و افرادی که خود را ذیحقی می‌دانند اخطار می‌گردد در تاریخ فوق در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند و در صورت عدم حضور مجاورین تحدید حدود طبق حدود اظهار شده از طرف متقاضی انجام خواهد گرفت ، چنانچه هر یک از مجاورین که به حدود پلاک فوق اعتراض داشته باشند، اعتراض آنها از تاریخ تحدید حدود به مدت ۳۰ روز از طرف اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام پذیرفته خواهد شد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۵/۰۳/۱۶

حامد فیض‌الهی سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو ایلام

شناسه آگهی ۲۱۹۷۱۲۱

